

مطالعات معماری ایران ۲۸

دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال چهاردهم، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۴



◆ محراب‌های گچی قاجاری منطقه کاشان (۱۱۹۴-۱۲۷۶ق)

● شیما نگهبان / محمدرضا غیاتیان / محمد مشهدی نوش آبادی

◆ گونه‌شناسی معماری قلعه‌های تاریخی مسکون ایران

● مهتاب غوریانی / ندا سادات صحراگرد منفرد / سید عباس یزدانفر

◆ سیر پیدایش بادگیرهای بلند برجی در خط آسمان شهر قم بر مبنای اسناد مصورتاریخی

● محمد رضائی ندوشن

◆ میراث زنده مسکونی: چارچوبی مفهومی برای فهم و حفاظت از تداوم سکونت در خانه‌های تاریخی

● ثنا یزدانی / زهرا اهری

◆ بررسی اثر رویدادسازی در محوطه فرهنگی سعدآباد

● فائزه تفرشی / منوچهر معظمی / نیکلاس وایز

◆ نقش مدت‌زمان حضور، غلظت دی‌اکسید کربن و رطوبت نسبی هوا بر احساس آسایش حرارتی نمازگزاران در مساجد معاصر ایلام

● کارن فتاحی

◆ آسیب‌پذیری محوطه تخت جمشید در برابر تغییر آب‌وهوایی و نقش مشارکت محلی در کاهش آن

● حمید فدایی / مسعود نخعی

◆ شهر دانشگاهی جندی‌شاپور اهواز؛ تجربه‌ای از بازتولید معماری ایرانی (از اواخر دهه ۱۳۴۰ تا انقلاب اسلامی)

● سید علیرضا سیدی / مرتضی همتی

◆ ارزیابی برنامه‌درسی رشته معماری از منظر کاربست دانش سازه بر مبنای نظریه یادگیری معنادار بلوم

● فوزیه زینلی نصرآبادی / نویمان فرح‌زاد / محمدرضا حافظی

◆ مولد اولیه طراحی در معماری خانه متناسب با رفتار اسلامی بر مبنای منابع نقلی اسلام

● مصطفی صیرفیان‌پور / مسعود ناری قمی

◆ تحلیلی بر احیای قنات‌های تهران: خوانشی انتقادی از منظر بوم‌شناسی سیاسی شهری

● بهاره فراهانی / کیانوش ذاکر حقیقی / مهرنوش حسن‌زاده

◆ تفاوت‌های بافت سنتی و مدرن زواره بر اساس نظریه «شهر درخت نیست»: بررسی ساختار شهر آرگانیک در برابر ساختار درخت‌وار

● علی عبدی / غلامحسین معماریان / منا آذرنوش

مطالعات معماری ایران

دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال چهاردهم، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۴
صاحب امتیاز: دانشگاه کاشان
مدیر مسئول: دکتر علی عمرانی پور
سر دبیر: دکتر غلامحسین معماریان
مدیر داخلی: دکتر بابک عالمی

هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا):
دکتر عباس اکبری. دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر حمیدرضا جیحانی. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی
دکتر پیروز حناچی. استاد دانشگاه تهران
دکتر شاهین حیدری. استاد دانشگاه تهران
دکتر مارکوس ریتزر. استاد دانشگاه وین
دکتر محمدصادق طاهر طلوع دل. دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
دکتر بابک عالمی، دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر علی عبد الرئوف. استاد دانشگاه حمد بن خلیفه قطر
دکتر علی عمرانی پور. دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر فاطمه کاتب. استاد دانشگاه الزهرا (س)
دکتر حسین کلانتری. استاد جهاد دانشگاهی
دکتر اصغر محمد مرادی. استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر غلامحسین معماریان. استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر محسن نیازی. استاد دانشگاه کاشان

درجه علمی پژوهشی دوفصلنامه مطالعات معماری ایران طی نامه شماره ۱۶۱۶۷۶ مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۱ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

پروانه انتشار این نشریه به شماره ۹۰/۲۳۰۳۰ مورخ ۹۱/۹/۷ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

این نشریه حاصل همکاری مشترک علمی دانشگاه کاشان با دانشکده معماری دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه الزهرا (س)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه شهید رجایی، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی و انجمن علمی انرژی ایران است. نشریه مطالعات معماری ایران در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC)، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags.ir)، پرتال جامع علوم انسانی (ensani.ir) و بانک اطلاعات نشریات کشور (magiran.com) نمایه می شود.

تصاویر بدون استناد در هر مقاله، متعلق به نویسنده آن مقاله است.

(نسخه الکترونیکی مقاله‌های این مجله، با تصاویر رنگی در تارنمای نشریه قابل دریافت است.)

ویراستار ادبی فارسی: معصومه عدالت پور
همکار اجرایی: فائزه تفرشی

عکس روی جلد: علی عمرانی پور
(ایوان شمالی مدرسه پریزاد)

دورنگار: ۰۳۱-۵۵۹۱۳۱۲۲

نشانی دفتر نشریه: کاشان، بلوار قطب راوندی، دانشگاه کاشان، دانشکده معماری و هنر، کدپستی: ۸۷۳۱۷-۵۳۱۵۳
رایانامه: j.ir.arch.s@gmail.com پایگاه اینترنتی: jias.kashanu.ac.ir

شاپای الکترونیکی: ۲۶۷۶-۵۰۲۰



- ۵ محراب‌های گچی قاجاری منطقه کاشان (۱۲۷۶-۱۱۹۴ق)
شیرینا نگهبان / محمدرضا غیاثیان / محمد مشهدی نوش آبادی
- ۲۹ گونه‌شناسی معماری قلعه‌های تاریخی مسکون ایران
مهتاب غوریانی / ندا سادات صحراگرد منفرد / سید عباس یزدانفر
- ۶۵ سیر پیدایش بادگیرهای بلند برجی در خط آسمان شهر قم بر مبنای اسناد مصور تاریخی
محمد رضائی ندوشن
- ۸۳ میراث زنده مسکونی: چارچوبی مفهومی برای فهم و حفاظت از تداوم سکونت در خانه‌های تاریخی
ثنا یزدانی / زهرا اهری
- ۱۱۳ بررسی اثر رویدادسازی در محوطه فرهنگی سعدآباد
فائزه تفرشی / منوچهر معظمی / نیکلاس وایز
- ۱۲۹ نقش مدت‌زمان حضور، غلظت دی‌اکسید کربن و رطوبت نسبی هوا بر احساس آسایش حرارتی
نمازگزاران در مساجد معاصر ایلام
کارن فتاحی
- ۱۵۳ آسیب‌پذیری محوطه تخت‌جمشید در برابر تغییر آب‌وهوایی و نقش مشارکت محلی در کاهش آن
حمید فدایی / مسعود نخعی
- ۱۷۱ شهر دانشگاهی جندی‌شاپور اهواز؛ تجربه‌ای از بازتولید معماری ایرانی (از اواخر دهه ۱۳۴۰ تا انقلاب اسلامی)
سید علیرضا سیدی / مرتضی همتی
- ۱۹۷ ارزیابی برنامه‌درسی رشته معماری از منظر کاربست دانش سازه بر مبنای نظریه یادگیری معنادار بلوم
فوزیه زینلی نصرآبادی / نریمان فرحزاد / محمدرضا حافظی
- ۲۱۷ مولد اولیه طراحی در معماری خانه متناسب با رفتار اسلامی بر مبنای منابع نقلی اسلام
مصطفی صیرفی‌ان‌پور / مسعود ناری قمی
- ۲۳۹ تحلیلی بر احیای قنات‌های تهران: خوانشی انتقادی از منظر بوم‌شناسی سیاسی شهری
بهاره فراهانی / کیانوش ذاکر حقیقی / مهرنوش حسن‌زاده
- ۲۶۱ تفاوت‌های بافت سنتی و مدرن زواره براساس نظریه «شهر درخت نیست»: بررسی ساختار شهر
ارگانیک در برابر ساختار درخت‌وار
علی عبدی / غلامحسین معماریان / منا آذرنوش
- ۲۷۳ بخش انگلیسی

میراث زنده مسکونی: چارچوبی مفهومی برای فهم و حفاظت از تداوم سکونت در خانه‌های تاریخی*

علمی پژوهشی

ثنا یزدانی**

زهرا اهری***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۹

چکیده

مفهوم «میراث زنده» اصطلاحی است فراتر از نگاه مادی یا برساختی به میراث، و بر پیوند مداوم میان جوامع ساکن و میراث‌شان تأکید دارد. پژوهش حاضر با معرفی مفهوم «میراث زنده مسکونی»، در پی ساخت چارچوبی مفهومی بر پایه ادبیات نظری از پیش موجود درباره میراث زنده، و تدقیق آن با بهره‌گیری از مفاهیم «تداوم و تغییر»، «پراتیک فضایی»، و «ابیتوس» از آنری لوفور و پیر بوردیو است، تا از این طریق امکان فهم چگونگی تجربه زندگی نسل‌های متوالی در خانه‌های تاریخی را فراهم آورد. نتایج این پژوهش نقش جامعه ساکن و تداوم فعالیت‌های روزمره را در فرایند تولید و بازتولید فضا و تداوم حیات در میراث مسکونی نشان می‌دهد و مصداق‌هایی از خانه‌هایی در ایران را برای روشن‌تر شدن نحوه استفاده و کارایی این مجموعه مفاهیم در فهم میراث زنده مسکونی معرفی می‌کند. براساس این بررسی، تداوم حیات در میراث زنده مسکونی زمانی محقق می‌شود که ساکنان، طی زندگی روزمره، از طریق امکان تکرار عادات فرهنگی - خانوادگی در فضا و تداوم پراتیک‌های فضا، میراث ملموس و ناملموس را بازتولید کرده و فضاها را با نیازهای امروز سازگار سازند. این روند پیوسته تغییر و تداوم، در هر بستر مکانی و زمانی به‌شکلی ویژه رخ داده و منجر به حفظ و تقویت میراث شده است. به این ترتیب، میراث زنده مسکونی بستری است برای تداوم تجربیات و تجلی هویت فردی و جمعی و حفاظت از این نوع میراث نیازمند مشارکت پایین به بالا، از درون به بیرون و نقش فعال ساکنان در این فرایند است.

کلیدواژه‌ها:

میراث زنده، میراث مسکونی، پراتیک فضا، خانه‌های تاریخی، ابعاد ناملموس.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در رشته معماری با عنوان تجربه اصالت در میراث زنده است که در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی تهران، با راهنمایی خانم دکتر زهرا اهری و دکتر حمید ندیمی انجام شده است.

** پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

*** دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، نویسنده مسئول، z_ahari@sbu.ac.ir

پرسش‌های پژوهش

۱. تعریف میراث زنده مسکونی چیست؟
۲. چگونه و با استفاده از چه مفاهیمی می‌توان تداوم زیست در خانه‌های واقع در پهنه‌های تاریخی را فهمید؟
۳. جوامع محلی چگونه می‌توانند به نگهداری از خانه‌های تاریخی و تداوم سکونت در این خانه‌ها کمک کنند؟

مقدمه

مفهوم «میراث زنده» حاصل دیدگاهی تحول‌آفرین در مطالعات میراث است که طی تعاملات بین‌المللی در سازمان‌هایی مانند ایکروم (ICCRUM) و یونسکو (UNESCO) پدید آمده است. این رویکرد به مرور زمان و با تحول نگرش در دهه‌های مختلف، به‌جای تمرکز صرف بر حفاظت از جنبه‌های ملموس و صرفاً کالبدی میراث، به ارزش‌گذاری به آیین‌ها و سنت‌های فرهنگی ناملموس، معانی، و تعاملات جاری میان جوامع و میراث‌گذشتگان آن‌ها هم توجه داشته است (Rajagopalan 2012, 317; UNESCO 1976; Lenzerini 2011, 104; UNESCO 1994, 10; UNESCO 1982).

استفاده مستمر از بنا برای تحقق هدف اصلی آن، بخشی اساسی از موجودیت «میراث زنده» است. برخلاف روش‌هایی که اولویت را به حفظ ساختار فیزیکی بنا یا مجموعه بناها می‌دهد، رویکرد «میراث زنده» بر نگهداشت هدف و کارکرد اولیه تأکید می‌کند؛ حتی اگر این امر به قیمت نادیده گرفتن کارکرد امروزی آن باشد. تداوم کارکرد اولیه ممکن است شامل حفظ کیفیت کالبدی و فضایی مکان‌های میراثی و نیز استمرار فرایند تعریف و تنظیم روابط فضایی آن‌ها، متناسب با کارکرد امروزی‌شان باشد. در رویکرد میراث زنده، هر کارکردی مستلزم رفتارها، کنش‌ها و فعالیت‌های انسانی خاصی در فضا است و به همین دلیل نیازمند کیفیت‌ها، روابط و فرم‌های فضایی ویژه‌ای است. از این رو، تداوم کارکرد تا حد زیادی ضامن تداوم کیفیت‌های فرم و ساختار فضایی در محوطه‌های میراثی خواهد بود. این دیدگاه به‌ویژه در رابطه با «میراث دینی زنده» از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا تداوم کارکرد و پیوند جامعه با این میراث نیازمند استمرار آیین‌ها و اعمال مذهبی و سنتی در این فضاهاست. معابد و زیارتگاه‌هایی که کارکرد اولیه خود را به‌طور مداوم از زمان ساخت اولیه‌شان حفظ کرده‌اند، در شرایط بسیار بهتری نسبت به ساختمان‌هایی قرار دارند که آن را از دست داده و برای بقا نیاز به بازسازی و تغییر کارکرد داشته‌اند (Poulios 2010b, 2).

در تحقیقات مرتبط با میراث زنده، تمرکز عمده مطالعات اولیه، به‌ویژه آن دسته که در تبیین و تثبیت این مفهوم نقش مؤثری داشته‌اند، معطوف به مصداق‌های دینی بوده است؛ حال آنکه میراث زنده مسکونی کمتر مورد توجه و واکاوی نظری قرار گرفته است. با این حال ارزیابی نقش، عوامل و فعالیت‌های انسانی در موجودیت میراث زنده مسکونی نیز شایسته بررسی و توجه است. در این پژوهش، منظور از میراث زنده مسکونی آن دسته از خانه‌های تاریخی است که نه تنها در بافتی کهن و زنده قرار دارند، بلکه کارکرد مسکونی و هویت خانه بودن خود را نیز همچنان حفظ کرده‌اند. این خانه‌ها میزبان ساکنانی دیرپایند که حضور و رفتارشان بازتابی از تداوم شیوه‌های زیست و الگوهای رفتاری گذشتگان در فضاها سکونت است.

خانه‌های تاریخی، که در بسیاری از شهرها بخشی از یک بافت تاریخی بزرگ‌ترند که در پیچ‌وخم شکل‌گیری و تغییر رویکردهای حفاظتی نهادها، سرنوشت متفاوت و اغلب ناخوشایندی را تجربه کرده‌اند. به نظر می‌رسد ارزش و اهمیت این خانه‌ها نه به‌درستی مطالعه شده و نه در عمل، بستری برای مواجهه‌ای درخور و شایسته بوده‌اند؛ برای مثال، این خانه‌ها در بخش‌هایی از ایران در برهه‌هایی قربانی روند نوسازی و بهسازی شده‌اند. از این رو، آشنایی با چگونگی تداوم حیات و زندگی در میراث مسکونی ضروری به نظر می‌رسد. توجه به حفاظت از خانه‌های تاریخی به‌عنوان میراث زنده می‌تواند در تقویت پیوستگی فرهنگی، بهبود همبستگی اجتماعی و تقویت حس هویت و تعلق در میان اعضای جامعه نقشی حیاتی ایفا کند. همچنین، می‌تواند نگرشی نوین برای حفاظت و مرمت این خانه‌ها ارائه دهد و باعث حفظ ارتباط

مستمر نسل‌ها با این فضاهاى فرهنگى شود.

به این قصد این پژوهش در قدم اول با بررسى پیشینه و سیر تحول مفهوم میراث زنده، نشان می‌دهد که محورهای اصلی مطالعه میراث زنده چیست. سپس با تمرکز بر مفهوم تداوم و بهره‌گیری از مفاهیم پراتیک فضامند^۱ و ایتوس^۲، نحوه فهم و بازنمایی میراث زنده مسکونی را در مجموعه‌ای از مفاهیم به‌هم‌پیوسته استنتاج می‌کند و با ذکر مصداق‌هایی از خانه‌هایی در ایران، چگونگی کارایی این مفاهیم برای مطالعه و توصیف میراث زنده مسکونی را روشن تر می‌کند. لازم است توضیح داده شود که مصداق‌های معرفی شده در این پژوهش، نه با هدف انجام مطالعه موردی به‌معنای متعارف آن، بلکه به‌منظور نمایش نحوه به‌کارگیری چارچوب مفهومی پیشنهادی در بسترهای واقعی و سنجش اعتبار آن انتخاب شده‌اند، تا از خلال آن‌ها خوانش و فهمی از وضعیت تداوم حیات در خانه‌های تاریخی حاصل شود. در واقع، مصداق‌ها شواهدی بر صحت اعتبار نظری چارچوب مفهومی است و چگونگی کاربرد آن را در تحقیقات مربوط به میراث زنده مسکونی نشان می‌دهد.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی بر مفهوم «میراث زنده» و تداوم کارکرد به انجام رسیده است. با این حال تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده که نشان دهد اولاً خانه‌های تاریخی را چگونه می‌توان در زمره «میراث زنده» گنجانند، و ثانیاً حفظ و تداوم سکونت در آن میراث چگونه ممکن می‌شود؛ گرچه تحقیقاتی در زمینه خانه‌های تاریخی و نقش جوامع ساکن و فعالیت‌هایشان در حفظ یا تحول خانه‌ها انجام شده است.

ابتدا به بررسى مهم‌ترین پژوهش‌ها بر میراث زنده پرداخته می‌شود. پژوهش‌های مرتبط با مفهوم «میراث زنده»، به‌ویژه پس از آغاز برنامه محوطه‌های میراث زنده ایکروم، در سال ۲۰۰۳ انجام شدند. این مفهوم بخش زیادی از غنای خود را مدیون تحقیقات گامینی و یجه‌سوریا^۳ زیر نظر ایکروم است. در ادامه، یوانیس پولیوس^۴، یکی از محققان برجسته این حوزه، تحقیقات کلیدی و مهمی در تکمیل و گسترش مفهوم میراث زنده انجام داد (ر.ک: Poullos 2018). پولیوس دنباله‌رو مسیر یجه‌سوریا بوده است. پژوهش‌های هر دو محقق تأثیر بسزایی در تثبیت و تعمیق این مفهوم داشته است و هر دو بر اهمیت دو مؤلفه «تداوم» و «تغییر» در میراث زنده تأکید کرده‌اند. پژوهش‌های کلیدی این دو محقق در جدول شماره ۱.۱ ذکر شده است.

جدول ۱: پژوهش‌های پایه در ارتباط مستقیم با مفهوم میراث زنده

سال	عنوان پژوهش	نهاد منتشرکننده - نویسنده
۲۰۰۳	برنامه سایت‌های میراث زنده	ایکروم - گامینی و یجه‌سوریا
۲۰۰۵	حفاظت از میراث زنده مذهبی گذشته در حال: رویکردهای حفاظت از سایت‌های میراث بودایی در سری‌لانکا	ایکروم - گامینی و یجه‌سوریا
۲۰۰۷	حفاظت از تونگ‌های زنده: رویکرد تداوم	ایکروم - گامینی و یجه‌سوریا
۲۰۰۸	رویکردی یکپارچه به حفاظت و مدیریت میراث	ایکروم - گامینی و یجه‌سوریا
۲۰۰۸	سایت‌های زنده: گذشته در حال - سایت صومعه متورا، یونان: به‌سوی رویکردی نوین در حفاظت	یوانیس پولیوس
۲۰۱۰	گذر از رویکردهای ارزش‌محوردر حفاظت از میراث	یوانیس پولیوس
۲۰۱۰	حفاظت از میراث مذهبی زنده: حفظ تداوم و پذیرش تغییر - معابد هندوی تانجور، سری‌لانگام و تیروپاتی در هند	یوانیس پولیوس
۲۰۱۱	هر سایت میراثی یک میراث زنده است؟ پیوند حفاظت با رابطه جوامع و سایت‌ها	یوانیس پولیوس
۲۰۱۴	گذشته در حال، رویکرد میراث زنده: متورا، یونان	یوانیس پولیوس

یونانیس پولیوس	گفت‌وگو درباره راهبرد در حفاظت از میراث: رویکرد میراث زنده به‌مثابه نمونه‌ای از نوآوری راهبردی	۲۰۱۴
ایکروم - گامینی ویجه‌سوریا	میراث زنده	۲۰۱۵
ایکروم - گامینی ویجه‌سوریا	رویکردهای مردم‌محور در حفاظت از میراث فرهنگی: میراث زنده	۲۰۱۵
ایکروم - گامینی ویجه‌سوریا	معرفی رویکردهای مردم‌محور در حفاظت و مدیریت	-
یونانیس پولیوس	بزرگ‌ترین مشکل در مدیریت میراث مذهبی زنده: ارتباط میان اصالت میراث و اصالت تجارب گردشگری با اصالت آیین‌های مذهبی	۲۰۱۹
یونانیس پولیوس	مدیریت میراث ناملموس «دشوار» با بهره‌گیری از بازتاب رویکرد میراث زنده در فیلم مستند شاهد خاموش، درباره زندانی در شهر تریکالا، یونان	۲۰۲۰

ویجه‌سوریا در کتاب *میراث زنده*: یک خلاصه (Wijesuriya 2015) با استفاده از تمایز میان «یادمان‌های زنده» و «یادمان‌های مرده»، استدلال می‌کند که میراث زنده صرفاً به حفظ کارکرد اصلی یک مکان محدود نمی‌شود، بلکه با سازگاری و پاسخ‌گویی به نیازهای متغیر جوامع پیرامونی است که معنا می‌یابد. اما او در کتابش اشاره‌ای به خانه‌های تاریخی نکرده است. پولیوس در کتاب گذشته در زمان حال: رویکردی بر میراث زنده (Poulios 2014a) با تمرکز بر میراث مذهبی زنده، نشان می‌دهد که مشارکت جوامع در تصمیم‌گیری‌ها، چگونه به حفاظت پایدار از میراث و تداوم عملکردها کمک می‌کند. او نیز همچون ویجه‌سوریا به خانه‌های اجدادی و تاریخی‌ای که همچنان ساکنانی در آن هستند نگاهی نداشته است. از میان افرادی که به این مفهوم، با نظر به خانه‌های تاریخی پرداخته‌اند، می‌توان به روساتو و کنپ و لو اشاره کرد. روساتو^۵ در تحقیقش با عنوان «خانه‌های میراثی خانوادگی یا بناهای تاریخی مسکونی؟ موردی خاص از میراث زنده در جنوب ایتالیا» (Rosato 2022) مفهوم «یادمان‌های زیسته» را به‌مثابه شکلی ویژه از میراث زنده بررسی می‌کند. او با مطالعه خانه‌های ترولی در آلبروبلو^۶ در ایتالیا نشان می‌دهد که چگونه زندگی روزمره ساکنان با وضعیت میراثی این بناها درهم تنیده است و میراثی پویا و زنده را پدید آورده است. روساتو با تأکید بر روابط پیچیده میان انسان و میراث، درعین حال به چالش‌های مدیریتی این مکان‌ها نیز اشاره می‌کند و معتقد است که توازن میان نیازهای جامعه ساکن و حفاظت از ارزش‌های میراثی، برای پایداری بلندمدت این مکان‌ها حیاتی است. او خواستار رویکردی فراگیرتر است که به دیدگاه‌های جوامع محلی در کنار ارزش‌های رسمی میراث احترام بگذارد. در همین زمینه، کنپ و لو^۷ در کتاب *خانه، منزل، خانواده: زیستن و چینی بودن* (Knapp and Lo 2005) به بررسی رابطه میان خانه، جامعه و تجربه زیسته پرداخته‌اند. آنان اشاره‌ای مستقیم به میراث زنده نکرده‌اند اما نشان می‌دهند که چگونه خانه‌های سنتی چینی حامل معانی اجتماعی و فرهنگی عمیق‌تری است و تداوم رویه‌های فرهنگی درون فضاها معماری چگونه ممکن شده است. محققان با تبیین پیوند میان عناصر فضایی همچون چیدمان، باغ و مبلمان، و ارزش‌های فرهنگی پایدار، به این مفهوم نزدیک می‌شوند. با این حال، در پژوهش روساتو و همچنین در اثر کنپ و لو نشانی از نقش فعال ساکنان به‌عنوان عاملی برای تداوم عملکرد وجود ندارد.

از میان پژوهش‌هایی که بر نسبت خانه‌های تاریخی با ساکنانش اشاره دارد، می‌توان به مقاله «تحلیل فرهنگی خانه سلماسی تبریز براساس نظریه رپوپورت» (فردانش، محمدحسینی، و حیدری ۱۳۹۳) اشاره کرد. نویسندگان در این مقاله با بهره‌گیری از نظرات رپوپورت درباره تعریف محیط، نقش فرهنگ و مؤلفه‌هایی نظیر شیوه زندگی، فعالیت‌ها و انتظارات و دیگر عوامل مرتبط با جامعه ساکن، در پی تبیین چگونگی تأثیرپذیری کالبد معماری یک خانه قاجاری در تبریز از ویژگی‌های فرهنگی اهالی خانه‌اند. این تحقیق گرچه نشان‌دهنده ارتباط تنگاتنگ محیط مصنوع با نیازها و فعالیت‌های ساکنانش است، درباره خانه‌ای است که هم‌اکنون تبدیل به موزه شده و عملکرد مسکونی خود را از دست داده و در نتیجه در زمره میراث زنده مسکونی به شمار نمی‌رود. مقاله «تأثیرات شیوه زندگی زنان قوم لر بر تعریف عرصه‌های خصوصی و جمعی در خانه‌های تاریخی - قاجاری خرم‌آباد» (هادی‌پور مرادی و دیگران ۱۴۰۲)، با

نظر به آراء رپوپورت و دیگران، فضاهای زندگی را بازتاب فرهنگ، ایدئولوژی، و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی جامعه ساکن معرفی می‌کند و نشان می‌دهد این شیوه زندگی است که عرصه‌های زندگی را در خانه‌ها تعریف می‌کند. با این حال این پژوهش نیز فقط فعالیت‌های ساکنان را در ده خانه قاجاری در خرم‌آباد بررسی کرده است؛ خانه‌هایی که امروزه عملکرد مسکونی ندارند یا نیمه‌ویران‌اند و در زمره میراث زنده مسکونی قرار نمی‌گیرند. پژوهش دیگری که به تأثیر متقابل کالبد خانه و شیوه زندگی ساکنان پرداخته، مقاله «بررسی روابط متقابل سبک زندگی و سازمان فضایی خانه، مورد مطالعه: خانه‌های مسکونی شهرستان رشت» (مرتاض هجری، یزدانفر، و حسینی ۱۴۰۰) است. نویسندگان این مقاله با مطالعه و بررسی ۳۸ خانه از دوره قاجار تا امروز در شهر رشت، الگوهای رفتاری و ارتباطشان با فضاهای مختلف خانه‌ها را ثبت کرده و از این دریچه توانسته‌اند نمایی از تغییرات الگوی کالبدی خانه‌ها و نیز الگوهای رفتاری ساکنان، از دوره قاجار تاکنون ارائه دهند. با این حال تمرکز این مقاله بر تحلیل تغییرات کالبدی در پی تغییرات سبک زندگی است. همچنین، خانه‌های مورد بررسی همگی از خانه‌های تاریخی ثبت‌شده در فهرست میراث فرهنگی بوده‌اند. از این رو، این تحقیق از منظر بررسی شیوه‌های زندگی در خانه‌های تاریخی با این پژوهش مرتبط است، اما به‌طور مستقیم به موضوع تداوم سکونت در این خانه‌ها نمی‌پردازد و مفهوم «میراث زنده» یا «میراث زنده مسکونی» را به کار نمی‌برد.

در پژوهش حاضر، خلأهای تحقیقات پیشین شناسایی شده است؛ به‌ویژه نسبت میان تداوم سکونت در خانه‌های تاریخی و مفهوم «میراث زنده» که کمتر مورد توجه پژوهش‌های گذشته قرار گرفته است. اغلب پژوهش‌های گذشته یا به تبیین نظری و مفهومی میراث زنده پرداخته‌اند بدون آنکه مصداق‌های بناهای تاریخی سکونت‌پذیر را در نظر بگیرند (مانند آثار ویجه‌سوریا و پولیوس)، یا تمرکز خود را بر تحلیل کالبد، سبک زندگی، یا ارزش‌های فرهنگی جوامع ساکن در خانه‌های تاریخی گذاشته‌اند، در حالی که خانه‌های مورد بحث غالباً کارکرد سکونتی خود را از دست داده‌اند (مانند مقالات مربوط به خانه‌های تبریز، خرم‌آباد و رشت). همچنین، حتی در پژوهش‌هایی مانند تحقیق روساتو درباره خانه‌های ترولی یا اثر کنپ و لو بر خانه‌های سنتی چینی، گرچه به پیوند میان زندگی روزمره و فضاهای معماری پرداخته شده، نقش ساکنان در حفظ و بازتولید مستمر میراث، به‌عنوان نیروی محرک تداوم عملکرد، به‌روشنی تحلیل نشده است. بنابراین، این پژوهش از حیث پرداختن به خانه‌هایی که هنوز محل زندگی‌اند و بررسی سازوکارهایی که ساکنان از طریق آن‌ها میراث ملموس و ناملموس را بازتولید و با نیازهای معاصر سازگار می‌کنند، گامی نو و متمایز در راستای تکمیل و بسط تحقیقات موجود در زمینه میراث زنده مسکونی به شمار می‌رود.

افزون بر این، این پژوهش با بهره‌گیری خلاقانه از مفاهیم «پراتیک فضامند» و «ایبتوس» برگرفته از نظریه‌های آنری لوفور و پیر بوردیو، تلاشی نو در برقراری پیوند میان حوزه مطالعات میراث و نظریه‌های فضا انجام داده و کوشیده است تا فهمی درهمنه‌تنیده از تداوم سکونت در خانه‌های تاریخی ارائه دهد. این رویکرد نظری، که تاکنون در مطالعات پیشین به‌صورت نظام‌مند مطرح نشده است، چشم‌اندازی تازه و روش‌شناسانه برای تحلیل «میراث زنده مسکونی» فراهم آورده و جایگاهی متمایز برای ساکنان، به‌عنوان کنشگران اصلی فرایند بازتولید میراث، در مطالعات میراث فرهنگی ترسیم کرده است.

۲. تبیین چارچوب مفهومی میراث زنده مسکونی

با توجه به نوین بودن ترکیب واژگانی «میراث زنده مسکونی»^۱، در این پژوهش چارچوبی مفهومی براساس بازخوانی نظریه‌ها و مطالعات پیشین درباره «میراث زنده» تدوین شده است. در گام نخست، روند تحولات تاریخی و ایدئولوژیک مفهوم «میراث زنده» مورد بررسی قرار گرفته و مفاهیم کلیدی مرتبط، از جمله «تغییر و تداوم» در این نوع میراث، تبیین شده‌اند. سپس نشان داده شده است که با بهره‌گیری از مفاهیم و نظریه‌هایی درباره پراتیک فضامند و ایبتوس، می‌توان از تداوم سکونت در میراث زنده مسکونی سخن گفت و این مجموعه مفاهیم به‌عنوان چارچوبی برای فهم و بررسی میراث زنده مسکونی به کار گرفته شده‌اند.

۲.۱. سیر تحولی مفهوم میراث زنده

تا واپسین دهه‌های قرن بیستم، برداشت غالب در ادبیات نهادی و سازمان‌های مرتبط با میراث، عمدتاً بر حفاظت از عناصر ملموس همچون تک‌بناها، آثار تاریخی و اشیای مادی متمرکز بود (Lenzerini 2011, 102). درک رایج از میراث، مبتنی بر ارزش‌های تاریخی و هنری عناصر فیزیکی بود و ابعاد غیرملموس فرهنگی، همچون آیین‌ها، سنت‌ها و معانی اجتماعی، در حاشیه قرار داشت.

از اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰، با تحولی ایدئولوژیک، فرهنگ چون پدیده‌ای پویا و در حال تکامل به رسمیت شناخته شد. پدیده‌ای که نمی‌توان آن را صرفاً به عناصر مادی محدود کرد. بر این اساس فرهنگ نه به‌عنوان مجموعه‌ای ایستا از اشیاء، بلکه به‌مثابه جریان پویایی از معنا و عمل تعریف شد که از طریق بازآفرینی مداوم آیین‌ها و رسوم، در واکنش به شرایط محیطی و تجربیات تاریخی، به حیات خود ادامه می‌دهد. این تغییر نگرش باعث شد به ابعاد انسانی و ناملموس میراث فرهنگی توجه بیشتری شود و مقدمات پذیرش ماهیت زنده و پویای آن فراهم شود (Ibid). استقرار تدریجی نگاه کل‌نگر به فرهنگ و میراث در نیمه دوم قرن بیستم، سبب شد سکونتگاه‌های سنتی (نه صرفاً دیگر تک‌بناهای تاریخی) به‌عنوان «مکان‌های میراثی» به رسمیت شناخته شوند و حفاظت ناحیه‌محور که بستر گسترده‌تری را در بر می‌گیرد، به‌جای حفاظت صرف از یادمان‌ها مطرح گردد (Orbasli 2002). این تحول هم‌زمان با تولد منشور ونیز (۱۹۶۴) بود. با آنکه در این منشور بُعد انسانی ارزش‌های میراث فرهنگی مورد توجه قرار گرفت، هنوز اشاره‌ای مستقیم به مفهوم «میراث زنده» نشده بود. با این حال، کماکان مشخصه اصلی این دوره، مواجهه با بالا به پایین با پدیده میراثی است؛ یعنی کارشناسان و متخصصان تصمیم می‌گرفتند چه چیزی به‌عنوان میراث شناخته شود. این موضوع اغلب دیدگاه‌ها و ارزش‌های جوامع را که ارتباط مستقیمی با محوطه‌های میراثی داشت، نادیده می‌گرفت (Poulios 2014, 15).

مفهوم «میراث زنده» به‌طور رسمی با تصویب برنامه محوطه‌های میراث زنده^{۱۱} توسط ایکروم (ICCROM) در سال ۲۰۰۳ به رسمیت شناخته شد (Wijesuriya 2015, 1). منطق حاکم بر این برنامه، بر شناسایی ابعاد زنده (زیستی) محوطه‌های میراثی و پیوند آن‌ها با زندگی معاصر تأکید داشت؛ از جمله منافع مردم و ظرفیت آن‌ها برای مراقبت و نگهداشت مستمر از این محوطه‌ها در جایگاه متولیان واقعی و بلندمدت (Ibid, 1-2). براساس این برنامه، «زنده بودن» یکی از ویژگی‌های میراث در نظر گرفته می‌شود و هرگاه یک محوطه میراثی دارای مؤلفه‌هایی از این بُعد باشد، می‌توان آن را «میراث زنده» تعریف کرد. چنین رویکردی به میراث زنده جایگزینی برای روش‌های قبلی نیست، بلکه مکملی برای شیوه‌های معاصر مدیریت میراث فرهنگی به شمار می‌رود.

در سال ۲۰۰۳، هم‌زمان با اجرای برنامه ایکروم، یونسکو نیز با تصویب کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس (Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage) گامی اساسی در راستای به رسمیت شناختن میراث زنده برداشت. این کنوانسیون جوامع - به‌ویژه جوامع بومی، گروه‌ها و در برخی موارد افراد - را بازیگران اصلی در تولید، پاسداری، نگهداری و بازآفرینی میراث فرهنگی ناملموس شناسایی کرد و نقش آن‌ها را در غنای تنوع فرهنگی و خلاقیت انسانی برجسته ساخت (UNESCO 2003, 3). در این کنوانسیون، «میراث زنده» شامل جنبه‌هایی از زندگی و فرهنگ انسانی می‌شود که عمدتاً با ابعاد ناملموس میراث فرهنگی معادل دانسته شده‌اند. براساس تعریف کنوانسیون، میراث زنده شامل هنرهای نمایشی، بیان‌های شفاهی، رویه‌های اجتماعی، آیین‌ها، رویدادهای آیینی و دانش‌های سنتی است که از طریق انتقال میان نسل‌ها از والدین به فرزندان، استادان به شاگردان، و معلمان به دانش‌آموزان حفظ می‌شود (Ibid).

کنوانسیون به‌دلیل تمرکز بیش از حد بر ابعاد ناملموس و فقدان رویکردی جامع‌تر نسبت به میراث مورد انتقاد قرار گرفته است (Wijesuriya, 2010). باید توجه داشت که اگرچه مفهوم «میراث زنده» جنبه‌های ناملموس مانند دانش بومی، مهارت‌ها و آیین‌ها را شامل می‌شود، کاملاً معادل با «میراث ناملموس» در برخی زمینه‌ها نیست. میراث زنده هر دو بُعد ملموس و ناملموس را در بر می‌گیرد و اهمیت ساختارهای فیزیکی، پیوندهای اجتماعی و تداوم کارکرد را به رسمیت می‌شناسد (Poulios 2014b, 30).

امروزه مفهوم میراث زنده فراتر از حوزه محدود میراث فرهنگی عمل می‌کند و با دغدغه‌های کلان قرن بیست و یکم چون توسعه پایدار، انسجام اجتماعی و حفاظت از محیط زیست درهم تنیده است. این مفهوم در دستور کار ۲۰۳۰ یونسکو برای توسعه پایدار^{۱۱} جایگاهی کلیدی یافته و در پروژه‌هایی پیرامون کاهش فقر، برابری جنسیتی، اقدام اقلیمی و حفظ تنوع فرهنگی به کار گرفته شده است (UNESCO 2017). اگرچه تمرکز اصلی این پژوهش بر محورهای اخیر توسعه‌ای نیست، روندهای موجود به خوبی نشان می‌دهند که میراث زنده ظرفیتی فراتر از حفاظت صرف داشته و می‌تواند در پاسخ به چالش‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی معاصر نقش آفرینی کند (Ibid).

بنا بر آنچه اندیشمندان و جریانات مختلف درباره میراث زنده گفته و نوشته‌اند، میراث زنده سه مشخصه اصلی دارد که نقطه اتکای ما برای تبیین مفاهیم مربوط به میراث زنده مسکونی و یافتن مفاهیم مرتبط در جهت فهم و بررسی آن در خانه‌های تاریخی است:

۱. در فرایند حفاظت از میراث زنده، قدرت دیگر در اختیار متخصصان حفاظت نیست؛ بلکه در اختیار جوامع محلی یا ساکنان میراث زنده است.

۲. دیگر فقط بر حفاظت از مواد (ساختار ملموس و کالبد فیزیکی خانه) تأکید نمی‌شود؛ بلکه تأکید بر حفاظت از ساختار ناملموس و ارتباط میان جوامع و میراث است.

۳. میراث دیگر بنای یادمانی^{۱۲} از گذشته نیست که باید از آسیب ساکنان امروزی برای نسل‌های آینده حفظ شود؛ بلکه میراث امروز همچون بخشی جدانشدنی از زندگی جوامع در نظر گرفته می‌شود. بنابراین رویکرد میراث زنده در حفاظت از بناهای یادمانی به مردم، از بافت ملموس به روابط ناملموس با میراث و از ناپیوستگی به تداوم و پیوستگی تغییر جهت می‌دهد (Kimball 2013, 5).

جدول ۲: مسیر تکاملی مفهوم میراث زنده در بحث‌ها و بیانیه‌های نهادهای بین‌المللی و افراد مرتبط

نهاد مسئول	برنامه یا منشور منتشرشده	سال انتشار	سیر تکاملی
یونسکو	کنوانسیون لاهه برای حفاظت از اموال فرهنگی در صورت بروز مخاصمه مسلحانه	۱۹۵۴	مراحل مفهومی ظهور میراث زنده
ایکوموس	منشور ونیز	۱۹۶۴	
یونسکو	کنوانسیون مربوط به حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان	۱۹۷۲	
یونسکو	توصیه‌نامه مربوط به حفاظت و نقش معاصر مناطق تاریخی	۱۹۷۶	
ایکوموس	منشور بورا: بیانیه ایکوموس استرالیا برای اهمیت اماکن فرهنگی	۱۹۷۹	
یونسکو	بیانیه مکزیکوسیتی درباره سیاست‌های فرهنگی	۱۹۸۲	
یونسکو	توصیه‌نامه محافظت از فرهنگ سنتی و فولکلور	۱۹۸۹	
یونسکو	گنجینه‌های زنده انسانی	۱۹۹۴	
یونسکو	کنوانسیون میراث جهانی؛ راهنمای عملی برای اجرای کنوانسیون میراث جهانی	۱۹۹۴	
ایکروم	کنوانسیون یکپارچه سرزمینی و شهری	۱۹۹۴	
یونسکو	کنوانسیون مربوط به محافظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان	۱۹۹۸	ظهور میراث زنده
ایکروم	برنامه محوطه‌های میراث زنده	۲۰۰۳	
یونسکو	کنوانسیون محافظت از میراث فرهنگی نامحسوس	۲۰۰۳	تداوم و تکامل میراث زنده
ایکروم	حفاظت از میراث دینی زنده	۲۰۰۵	
یونسکو	بیانیه حفظ منظرهای شهری تاریخی	۲۰۰۵	
ایکروم، ویجه‌سوریا	میراث زنده	۲۰۱۵	
ایکروم، ویجه‌سوریا	رویکردهای مردم‌محورانه حفاظت از میراث فرهنگی: میراث زنده	۲۰۱۵	

۲.۲. میراث زنده مسکونی

اصطلاح «میراث زنده مسکونی» یا معادل آن Inhabited Living Heritage به این صورت ترکیبی در ادبیات پژوهشی حوزه میراث تاکنون به کار نرفته و در این پژوهش به صورت اختصاصی تعریف می‌شود. نزدیک‌ترین اصطلاح موجود به این مفهوم، Inhabited Heritage یا «میراث مسکونی» است. یکی از نخستین اشاره‌ها به این مفهوم در محافل علمی به همایش «بنای مسکونی (Il Monumento Abitato) باز می‌گردد که در ژوئیه ۲۰۰۰ در شهر ماترا^{۱۳} برگزار شد و توسط مدرسه عالی مطالعات علوم اجتماعی پاریس^{۱۴} و دانشگاه باسیلیکاتا^{۱۵} سازمان‌دهی گردید (Rosato 2022, 46).

اثر (Le patrimoine habité (Gueissaz, Steinmann, and Zurbuchen 2013) معنای «میراث مسکونی» را به هر بنایی اطلاق می‌کند که مورد بازکاربری^{۱۶} قرار گرفته باشد و قلمرو مفهوم «زیستن» را به فضاهایی فراتر از مسکن خانگی گسترش می‌دهد (Rosato 2022, 50). پیش‌تر اشاره شد که روساتو نیز در پژوهش خود به مفهوم میراث مسکونی توجه می‌کند و در غیاب یک تعریف واحد و صریح، پیشنهاد می‌کند که «بنای مسکونی» به فضاهایی اطلاق گردد که توسط انسان ساخته یا دگرگون شده‌اند و همچنان محل سکونت جمعیتی است که وضعیت میراثی آن مکان را به رسمیت شناخته‌اند. به عبارت دیگر، بناهایی که کارکرد مسکونی اولیه خود را تا امروز حفظ کرده‌اند (Rosato 2022, 50). باین حال، او در تحلیل‌های خود بیشتر از مفاهیم «خانه‌های میراثی خانوادگی» (Family-owned Heritage Houses) یا «میراث مسکونی»/ «بنای مسکونی میراثی» (Inhabited Monuments) بهره می‌گیرد و این مفاهیم را در پیوند با «میراث بومی»،^{۱۷} یعنی بناهایی که براساس عادات و شیوه‌های زیست مردمی که خود سازندگان آن هستند شکل گرفته و این عادات در کالبد فضا عینیت یافته‌اند، مطرح می‌سازد. افزون بر این، او این مفاهیم را به «میراث زنده» نیز مرتبط می‌داند؛ مفهومی که به‌زعم او درباره بناهایی به کار می‌رود که در روند استفاده، بازتخصیص (تغییر کاربری یا تداوم کارکرد با سازگاری‌های جدید) یافته‌اند و حیات اجتماعی و معنایی آن‌ها همچنان تداوم دارد (Rosato 2022, 50). بنابراین، اگرچه در تحقیقات موجود به میراث مسکونی و ارتباط آن با میراث زنده پرداخته شده، ترکیب «میراث زنده مسکونی» تاکنون به‌عنوان یک چارچوب روشن برای فهم تداوم سکونت در این بناها تعریف و به کار گرفته نشده است.

در پژوهش حاضر، با تکیه بر چارچوب نظری موجود حول مفهوم میراث زنده و تعاریف سایر پژوهش‌ها از میراث مسکونی، اصطلاح میراث زنده مسکونی به محوطه‌ها، ساختمان‌ها یا منظرهای فرهنگی - تاریخی‌ای اطلاق می‌شود که همچنان نقش فضاهای زیست برای جوامع باقی‌مانده در آن‌ها را دارد و به‌طور فعال محل زندگی و سکونتشان است. در یک بنای تاریخی، آنچه عامل زنده بودن و حیات‌بخشی است، صرفاً حفظ عناصر کالبدی و زیبایی‌شناختی نیست، بلکه تداوم آیین‌ها، شیوه‌های زندگی، و عادات فرهنگی و اجتماعی‌ای است که در پیوندی زنده با فضا جریان دارند (Smith 2006). خانه‌های میراثی که سنت زیست در آن‌ها جریان داشته است، ارتباط عمیقی میان سازمان‌دهی فضایی، ارزش‌های زیبایی‌شناسی و آیین‌های اجدادی را نمایان می‌سازند و هم‌زمان ارزش‌های فرهنگی و سوبه‌های اجتماعی موجود در این ساختارها را آشکار می‌کنند (Knapp and Lo 2005). تعاملی مداوم میان دو بعد ملموس و ناملموس در محوطه‌های «میراث مسکونی» وجود دارد که نشان‌دهنده تطابق و عملکرد سیال سنت‌های فرهنگی در طول نسل‌هاست. در این تحقیق میراث مسکونی با مفهوم وسیع‌تر «میراث زنده» ارتباط نزدیکی دارد و بر حفظ تداوم و پیوستگی در عین حال تطبیق و تغییر میراث، و نیز ارتباط عمیق جامعه مرکزی با میراث و مراقبت تطبیقی از میراث (متناسب با شرایط در حال تحول) که محققان پیشین راجع به میراث زنده به‌طور عام بیان کرده‌اند (Wijesuriya 2010) در نسبت است.

برای فهم «میراث زنده مسکونی» و عوامل تداوم سکونت در آن، در این پژوهش از سه مفهوم کلیدی به‌عنوان بنیان‌های تحلیلی استفاده می‌کنیم: تداوم، پراتیک فضا مند و ایتوس. «تداوم» از پایه‌های اساسی و محوری در مطالعه میراث زنده است. در اینجا این مفهوم از مطالعات و تحقیقات ویجه‌سوریا و پولیوس درباره میراث زنده وام گرفته شده

که البته در باب میراث زنده غیرمسکونی به آن پرداخته‌اند. برای پیوند دادن «تداوم» به میراث زنده مسکونی نیز از نظریه تولید و بازتولید فضایی آنری لوفور و بعضی مفاهیم پیر بوردیو همچون ایتوس (عادت‌واره) و پراتیک فضا‌مند استفاده شده است؛ چراکه وقتی از تداوم در محیط مصنوع سخن می‌گوییم، ناگزیر باید از تولید و بازتولید فضا هم سخن گفت و توجه به تولید و بازتولید فضا در بحث از میراث زنده مسکونی بدون پرداختن به نحوه زیستی که سبب بازتولید فضا شده ممکن نیست. از این‌روست که ایتوس‌ها که اساس پراتیک فضا‌مند ساکنان در طول زمان هستند اهمیت پیدا می‌کنند؛ الگوهای رفتاری یا عادت‌واره‌هایی که ضامن هم تداوم کالبد و هم تداوم کارکرد در میراث زنده مسکونی هستند.

لوفور در کتاب *تولید فضا* (Lefebvre 1974) که بر پایه ایده‌های او در کتاب *نقد زندگی روزمره* (Idem 1991) نوشته شده است، نشان می‌دهد که چگونه فضا به‌عنوان محصولی از شرایط تاریخی و مادی و تحت‌تأثیر پویه‌های قدرت ساخته می‌شود. در این متون، لوفور بر نقش پراتیک‌های فضا‌مند در شکل دادن به محیط‌های شهری تأکید کرده و با طرح لزوم بازپس‌گیری فضا برای تجربه‌های زیسته و عدالت اجتماعی، پراتیک‌های فضا‌مند معاصر را به چالش می‌کشد (Leach 1997, 132). نظریات لوفور هنگامی برای فهم و بررسی میراث زنده مسکونی کارا تر می‌شود که در کنار آراء بوردیو دیده شود.

پیر بوردیو^{۱۸} ایتوس یا عادت‌واره را عنصری بنیادین در زندگی روزمره معرفی کرده (Bourdieu 1990) و در تحلیل‌های خود تلاش کرده تا پیوند بین ساختارهای اجتماعی و کنش‌های فردی را تبیین کند و به این پرسش بپردازد که چگونه ساختارهای اجتماعی به‌طور ناخودآگاه در ذهن افراد درونی می‌شود و در رفتار و ادراک آن‌ها تأثیر می‌گذارد. ارتباط بوردیو و لوفور را می‌توان در این دید که هر دو نظریه‌پرداز، پراتیک فضا‌مند را به‌عنوان یک عنصر مهم در تحلیل فضای اجتماعی و کالبدی در نظر گرفته‌اند. بوردیو از ایتوس و پراتیک‌های فضا‌مندی سخن می‌گوید که به‌نوعی، کنش‌ها و الگوهای رفتاری را در تعامل با فضای اجتماعی توصیف می‌کنند. از سوی دیگر، لوفور به پراتیک‌های فضا‌مند به‌عنوان یکی از سه بُعد تولید فضا اشاره می‌کند و آن‌ها را فعالیت‌هایی می‌داند که فضای اجتماعی را به وجود آورده و بازتولید می‌کند (Lefebvre 1991a). درحقیقت، بوردیو و لوفور هر دو در تلاش‌اند تا نشان دهند که فضای کالبدی و فضای اجتماعی در ارتباط متقابل با یکدیگر شکل می‌گیرند و کنش‌های اجتماعی (پراتیک‌ها) و الگوهای رفتاری نه‌تنها در فضای اجتماعی بلکه در فضای کالبدی بازتاب می‌یابند (Bourdieu 1977 Ibid). آراء این دو نظریه‌پرداز ما را یاری می‌کند تا چگونگی و چرایی تعاملات انسان با فضا را بهتر و جامع‌تر درک کنیم و با محوریت قرار دادن پراتیک‌های فضا‌مند مشارکت فعال جوامع در فرایندهای نگهداشت و بازتولید میراث زنده مسکونی، در جریان زندگی روزمره را بررسی کنیم.

۳.۲. بررسی عوامل تداوم در میراث زنده مسکونی

۱.۳.۲. تداوم

معمولاً وقتی از کلیت واژه‌ای با عنوان «تداوم» سخن می‌گوییم، نوعی پایداری، تکرار شرایط پیشین و عدم تغییر خودنمایی می‌کند. در وهله اول و در توضیح مقصودمان از «تداوم» لازم است این موضوع را نفی کنیم. ما از تداومی سخن می‌گوییم که طی اعمال تغییرات و مداخلات متنوع وجود دارد.

در فهم آثار تاریخی به‌مثابه میراث زنده، مفهوم «میراث» پیش از هر چیزی، در جایگاه یک ساختار اجتماعی فهمیده می‌شود که در پاسخ به تغییر روابطش با جوامع موجود پدید می‌آید (Kimball 2013, 3)؛ نه همچون پدیده‌ای ثابت که باید برای آیندگان محافظت شود. درحقیقت میراث به‌مثابه جزئی جدانشدنی از زندگی جامعه کنونی‌اش فهم و محافظت می‌شود. بنابراین میراث زنده، تغییر درزمینه استمرار/ تداوم را در خود جای داده است و از تغییر کارکرد و فضا در واکنش به تغییر شرایط جامعه استقبال می‌کند (Poulios 2014b, 175).^{۱۹} این الگو نه موجب انقطاع گذشته و حال می‌شود و نه مانع مطلقی میانشان ایجاد می‌کند، بلکه در زمان حال استمرار می‌یابد (Ibid, 140).

به این ترتیب، «میراث زنده» یک موجودیت پویاست که طی زمان و در پاسخ به تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی

متحول می‌شود (Ibid). در این چارچوب، تغییر نه تهدید بلکه بخشی از ذات زنده و پیوسته میراث محسوب می‌شود و حفاظت عبارت است از مدیریت تداوم و تغییر، که مستلزم توسعه فرایندهای تصمیم‌گیری جدید است (Wijesuriya 2015, 1). پذیرش تغییرات به‌عنوان بخشی از تداوم، نه تنها بر پایداری و اهمیت میراث برای جامعه تأکید دارد، بلکه باعث می‌شود که این میراث در بخشی از زندگی روزمره جامعه همچنان حضور داشته باشد. بنابراین وجود تغییر خود لازمه تداوم در شرایط فعلی است (Ndoro 2018).

اگر از دریچه بررسی تداوم به میراث گذشته بنگریم، پیوستگی میراث با گذشته را می‌توان از چهار وجه متفاوت بررسی کرد: تداوم کارکرد، تداوم ارتباط با جامعه، تداوم جلوه‌های فرهنگی، تداوم مراقبت‌های سنتی، حفاظت و مدیریت میراث (Wijesuriya 2015). البته همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، تداومی که صرفاً به حفظ میراث، چنانچه پیش از این بوده، منتهی شود، سبب پدید آمدن میراث زنده نمی‌شود؛ بلکه میراث زنده دارای پویایی‌ای است که منجر به تغییر می‌شود؛ چراکه تداوم بدون تغییر به فضایی منجمد در گذشته منتهی می‌شود که با مفهوم میراث زنده در تضاد است. همچنین تغییر، بدون وجود رشته‌ای برای ارتباط با گذشته، به بازتولید فضایی دروغین می‌انجامد که به تدریج ماهیت میراث بودن اثر را خدشه‌دار می‌کند.

الف) تداوم کارکرد^{۲۰}

استفاده مستمر از بنا و محوطه میراثی در راستای تحقق هدف و نقش اصلی آن، بخش اساسی‌ای برای پرداختن به مفهوم تداوم در چارچوب «میراث زنده» به شمار می‌آید. برخلاف رویکردهایی که اولویت را به حفظ کالبد فیزیکی بناها و مجموعه‌ها می‌دهند، رویکرد «میراث زنده» بر تداوم نقش و کارکرد اصیل مکان تأکید دارد. بر همین اساس، خانه‌های مسکونی آبا و اجدادی که زیستن در آن‌ها استمرار یافته و کارکرد مسکونی خود را حفظ کرده‌اند، شایسته شناسایی به‌عنوان میراث زنده مسکونی است و امکان بررسی سایر ابعاد تداوم در آن‌ها فراهم است.

تداوم کارکرد نه تنها شامل حفظ کیفیت کالبدی و فضایی مکان‌های میراثی می‌شود، بلکه استمرار فرایند تعریف، باز تعریف و تنظیم روابط فضایی آن‌ها در تناسب با کارکردشان را نیز در بر می‌گیرد. هر کارکردی نیازمند کنش‌ها، رفتارها و فعالیت‌های خاصی در فضا است و بنابراین مستلزم کیفیت‌ها، روابط و فرم‌های فضایی ویژه خود است. از این رو، تداوم کارکرد تا حد زیادی تضمین‌کننده تداوم کیفیت‌های فرمی و ساختاری در محوطه‌های میراثی خواهد بود.

ب) تداوم ارتباط جامعه مرکزی^{۲۱}

در کنار تداوم عملکرد، تداوم ارتباط جامعه با میراث نیز بُعدی حیاتی تلقی می‌شود. در این رابطه، مفهوم «جامعه مرکزی» یا «جامعه محلی» مطرح می‌شود. منظور از جامعه مرکزی یک گروه خاص جامعه است که میراث را زنده نگه می‌دارد و عملکرد اصلی میراث را تداوم می‌بخشد. این دسته، به‌رغم گذشت زمان، ارتباط اصلی خود با میراث را حفظ می‌کند و همواره میراث را از نظر هویت، غرور، عزت‌نفس و ساختار، بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی معاصر خود می‌داند و خوشبختانه، دارای یک احساس مالکیت/قیمومیت شدید نسبت به میراث است و مراقبت از میراث را وظیفه ذاتی خود می‌داند (نگاه کنید به تصویر ۲) (Ndoro 2018, 30; Poullos 2014b, 26-27).

جامعه مرکزی را می‌توان گروهی درهم‌تنیده با میراث بازساخت که از دیگر گروه‌های اجتماعی متمایز است و مشارکتش در فرایندهای تصمیم‌گیری و حفاظت اهمیت زیادی دارد. جامعه مرکزی عضوی ساده نیست که قرار است در فرایند حفاظت همکاری کند، بلکه قدرتمند و توانمند است و قادر است که دستور کار را تنظیم کند، تصمیم‌گیری کند و کنترل این فرایند را بر عهده بگیرد. به این ترتیب متخصصان حفاظت و جامعه، در مقیاس وسیع‌تر، نقش ثانویه دارند و فقط می‌توانند چارچوبی برای حمایت، راهنمایی و کمک به جامعه مرکزی فراهم آورند (Poullos 2014, 23). بنابراین میراث زنده از درون زندگی جامعه معنا می‌گیرد و فرایند حفاظت، نه از بیرون بلکه از دل کنش‌ها، عادت‌ها و شیوه‌های فرهنگی و جمعی و تعاملات مداوم این جامعه شکل می‌گیرد (Wijesuriya 2005).

حفاظت از «میراث زنده» نیازمند پیوندی پایدار و معنادار میان جامعه و میراث است تا آنچه به میراث مانده، بتواند در بستر جامعه به حیات و ایفای نقش فرهنگی خود ادامه دهد. از این منظر، تداوم نباید صرفاً به حضور فیزیکی افراد محدود

شود، بلکه باید به روابط عمیق و نمادینی توجه کرد که هویت و فرهنگ جامعه را به بناها و مجموعه‌های میراثی پیوند می‌دهد و در عین حال، تصویری جامع از تداوم ارتباط جامعه با محوطه‌های میراث زنده ارائه می‌کند. این پیوند به‌ویژه برای جوامع محلی که دارای ارتباطات تاریخی و فرهنگی با محوطه است، اهمیتی ویژه دارد.

ج) تداوم مراقبت‌های سنتی، حفاظت و مدیریت میراث^{۲۲}

آنچه می‌تواند تکمیل‌کننده تعریف تداوم ارتباط اجتماعی و فرهنگی با جامعه یا به عبارتی تضمین‌کننده پیوند این مفهوم باشد، تداوم محافظت و نگهداری از میراث است. در واقع، تداوم ارتباط میان جامعه و محوطه میراثی، نه تنها موجب تقویت پیوندهای اجتماعی، فرهنگی و معنوی آن‌ها می‌شود، بلکه از طریق مشارکت در مدیریت و استفاده از بنا/مجموعه، به «میراث زنده» جنبه‌ای پویا و پایدار می‌بخشد. از این رو تداوم حیات در «میراث زنده مسکونی» به شناختن ارزش دانش سنتی، نظام‌های مدیریتی و شیوه‌های نگهداری در حین فرایند زیستن در فضا وابسته است که طی نسل‌ها انتقال یافته‌اند و در خدمت حفظ میراث قرار می‌گیرند (Poulios 2014b, 23).

د) تداوم جلوه‌های فرهنگی^{۲۳}

تداوم کارکرد بنا در جامعه محلی، اهمیت جلوه‌های فرهنگی، به‌ویژه ابعاد ناملموس آن را برجسته می‌سازد و به بقای پیوندهای عمیق خانوادگی، جمعی و فرهنگی کمک می‌کند. زمانی که یک مکان میراثی کارکرد اصلی خود را حفظ کرده و با جامعه مرتبط است، به حالت ایستا باقی نمی‌ماند، بلکه به تدریج جلوه‌های گوناگون ملموس و ناملموس به آن افزوده می‌شود و مؤلفه‌های آن تغییر می‌کند. هدف از حفظ این مکان‌ها تنها حفظ مظاهر مادی نیست، بلکه تسهیل کارکردهای آنان در پاسخ به نیازهای جامعه است. از این رو، افزوده‌ها یا تغییرات در جلوه‌های ملموس می‌تواند ساخت‌وسازهای جدید، گسترش ساختارهای موجود، نوسازی بناها یا تغییر در چیدمان فضا، به‌منظور عملکرد بهینه و خدمت‌رسانی به ساکنان را در بر گیرد که همسو با شرایط متغیر نظیر افزایش جمعیت صورت می‌پذیرد. هم‌زمان با این تغییرات، جلوه‌های ناملموسی مانند مراسم، آیین‌ها و فعالیت‌های وابسته به فضا نیز در عین تداوم یافتن، دستخوش تحول نیز می‌شوند، عناصر جدیدی به آن‌ها اضافه می‌شود و شکل و ماهیت آن‌ها ممکن است تغییر کند. این تحول و تداوم در بیانات ناملموس و جلوه‌های فرهنگی، نقشی مهم در حفظ ارتباط مداوم و پویا میان ساکنین و میراث دارد؛ به طوری که به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود و به‌عنوان بخشی از هویت و حافظه جمعی در طول زمان باقی می‌ماند (Wijesuriya 2015, 7).

۲.۳.۲. پراتیک فضاوند

سنگ بنای ارتباط میان جوامع و میراث آن‌ها و ضامن و پیونددهنده انواع برشمرده شده تداوم، از خلال مفهوم «پراتیک فضاوند» تبیین می‌شود. «پراتیک فضاوند» به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و رویه‌هایی اطلاق می‌شود که در درون فضای میراثی انجام می‌گیرد؛ فعالیت‌هایی که از یک سو، به شدت تحت تأثیر عادات و سنت‌های ساکنان قرار دارند، و از سوی دیگر، متأثر از ساختار کالبدی، سازمان فضایی، کارکرد تاریخی و اشیاء و مبلمان موجود در فضا هستند و متقابلاً بر آن اثر هم می‌گذارند و هم آن‌ها را حفظ می‌کنند و هم سبب تولید و بازتولید فضا می‌شوند. این فعالیت‌ها نه تنها همچون «رفتارهای آشکار» قابل مشاهده‌اند، بلکه هدفمند و معنادار نیز هستند (Warde 2017, 6). این نوع فعالیت‌ها در بستر میراث زنده مسکونی نمی‌توانند تنها واکنش‌هایی مکانیکی و خودبه‌خودی تلقی شوند، بلکه ورای آن‌ها اراده و هدف افراد برای برقراری ارتباط با فضا و سایر افراد و نیز پایبندی به فرهنگ، رسوم، شیوه‌ها و عاداتی خاص به‌وضوح دیده می‌شود. این تجربیات به‌طور مستمر تکرار می‌شوند و در هر بار انجام آن‌ها، معنای جدیدی به فضای کالبدی افزوده می‌شود که به‌طور مستقیم با زندگی روزمره، هویت فردی و اجتماعی افراد، عادت‌واره‌های فردی، جمعی و فرهنگی آن‌ها در ارتباط است (Bourdieu 1977, 73). این پراتیک‌ها، که ممکن است از صرف غذا به‌صورت جمعی در تالار خانه اجدادی تا شیوه‌های سنتی نگهداری را در بر گیرند، حامل معانی فرهنگی عمیقی‌اند (Lowenthal 1988) و فضاهای میراثی را به بستری پویا تبدیل می‌کنند. جایی که گذشته نه تنها به یاد آورده می‌شود، بلکه به‌شکلی زنده و ملموس تجربه می‌شود (Halbwachs 1950/1980).

در مجموع می‌توان مجموعه مفاهیم سازنده چارچوب مفهومی برای فهم و بازنمایی تداوم در میراث زنده مسکونی را در ارتباط‌های منطقی با یکدیگر، چنان‌که در تصویر ۱ آمده است، توصیف کرد. مطالعه میراث زنده نیازمند توجه به تداوم و تحول عملکرد و پیوندهای اجتماعی در فضا است. با بهره‌گیری از تکامل جلوه‌های ملموس و ناملموس و از طریق پرداختن به کنش فضایی می‌توان این تداوم و تکامل را در آینه پراتیک فضایی و ایتوس‌ها شناخت و مورد مطالعه قرار داد.

۳. کاربست چارچوب مفهومی برای مطالعه میراث زنده مسکونی در مصداق‌هایی از خانه‌های ایران

بنا بر آنچه رفت، ارتباط دادن مفاهیمی نظیر «تداوم»، برآمده از مطالعات میراث زنده، با «پراتیک فضا» و «ایتوس»، برآمده از مطالعات لوفور و بوردیو، چارچوبی را فراهم می‌آورد که براساس آن می‌توان چگونگی تداوم حیات و سکونت در خانه‌های تاریخی را شرح داد و سخن گفتن درباره آن را در نسبت با نهادهای حفاظتی در حوزه میراث زنده ممکن کرد و از این طریق رابطه آن را با مجموعه‌ای از پژوهش‌های دیگر در این حوزه روشن کرد. در این بخش مصداق‌هایی از میان پژوهش‌های دیگر محققان بر خانه‌های مسکونی تاریخی در ایران و یا نمونه‌هایی از این خانه‌ها که توسط ساکنانشان برای تداوم حیات در آن‌ها بازسازی و مناسب‌سازی شده‌اند، ارائه شده تا نحوه تجلی مفهوم «پراتیک فضا» در پیوند دادن ابعاد مختلف «تداوم» و همچنین ارتباط قوی ساکنان با فضاهای مسکونی میراثی خانه‌هایشان روشن شود و کاربرد عملی چارچوب مفهومی برای مطالعه و بحث دقیق‌تر درباره میراث زنده مشخص شود.

مصداق‌های مورد بررسی، که یا پژوهشی بر آن‌ها صورت گرفته و یا معمارانی (که خودشان ساکنان امروزی این خانه‌ها هستند) به قصد تداوم صورت‌های زندگی به تولید و بازتولید فضاهایش پرداخته‌اند، نمونه‌هایی واقع در تهران، شمال غرب، مرکز و جنوب ایران هستند که محققان و معماران در جست‌وجوی نسبت میان فضا و تجربه زندگی در فعالیت خود به سراغ آن‌ها رفته‌اند و ما در اینجا از چارچوب مفهومی خود برای توصیف آن‌ها به‌مثابه میراث زنده بهره می‌بریم تا نشان دهیم این چارچوب چگونه می‌تواند در درک سازوکار تداوم زیست و استفاده از این بناها کاربرد بیابد و مبنایی برای تدوین رویکردهای تازه به حفاظت از خانه‌های تاریخی فراهم کند. نکته مهم آن‌که هدف از انتخاب و بررسی این نمونه‌ها، واکاوی تمام جزئیات دگرگونی‌های فضایی آن‌ها در طول زمان نبوده است؛ یعنی قصد نداریم روند دقیق تغییرات هر فضا و «چگونه بودن» پیشین و کنونی آن را به‌صورت مرحله‌به‌مرحله بازسازی کنیم؛ بلکه آنچه برای این پژوهش اهمیت دارد، توجه به جنبه‌های برجسته و مشهود تداوم پراتیک‌های فضا است؛ همان شیوه‌های زیسته‌ای که فضا را با رفتار و کنش‌های روزمره ساکنان پیوند می‌دهند و از خلال آن‌ها انواع تداوم در میراث زنده قابل شناسایی می‌شود. در این مسیر، توجه ما به ایتوس‌های خانوادگی و فرهنگی‌ای است که در پس این پراتیک‌ها عمل می‌کنند؛ ایتوس‌هایی که شکل‌دهنده الگوهای استفاده، بازتولید و معنا بخشی به فضا در زندگی معاصر هستند. به همین دلیل، این نمونه‌ها گرچه همه مناطق ایران را در بر نمی‌گیرند، اما نشان‌دهنده چگونگی تعریف میراث زنده مسکونی و شیوه‌های تداوم در سه نقطه متفاوت کشورند و طیفی از خانه‌های را شامل می‌شوند که طبق تعریف ارائه‌شده از میراث زنده مسکونی، همگی ذیل این تعریف می‌گنجند. این تکرر فضایی و گونه‌ای، برای نشان دادن کاربردی بودن چارچوب نظری در زمینه‌های متفاوت مناسب است. پس قصد این پژوهش از آوردن مصداق‌ها، توضیح چگونگی تحقق میراث زنده در محدوده‌های تاریخی یا جغرافیایی نیست بلکه این موارد شواهدی برای کارایی چارچوب مفهومی و مصداق‌هایی از نحوه استفاده از این چارچوب برای مطالعه میراث زنده مسکونی هستند.

جدول ۳: مصداق‌های منتخب در این پژوهش

اسم خانه‌ها	موقعیت قرارگیری خانه	زمان حدودی ساخت
خانه صفری (سکونت چهار نسل)	تهران، محله خزانه	دهه ۱۳۴۰
سیاه‌مشق (سکونت سه نسل)	مهاباد، کوی فرهنگیان	دهه ۱۳۳۰
خانه بلند	یزد، محله امیرچخماق	قاجاریه
خانه حیات	یزد، محله فهادان	قاجاریه
خانه ترانه بلدا	تهران، سی تیر	۱۳۳۲

۱.۳. خانه صفری در تهران

خانه آقای صفری خانه‌ای ساخته شده در دهه چهل شمسی در محله خزانه تهران است که علی طباطبائی در پژوهش کارشناسی‌اشد خود با عنوان «شناخت و تحلیل الگوی خانه‌های دوره میانی معماری تهران» (طباطبائی ۱۳۹۴) برای فهم و بازنمایی کیفیت تجربه زیسته در خانه‌های برهه گذار معماری تهران در دهه سی و چهل شمسی آن را مطالعه کرده است. به این ترتیب در گفت‌وگوی مستقیم با پژوهشگر متوجه شدیم زندگی بلندمدت ساکنان در خانه‌هایشان در این پژوهش دارای اهمیت و معیار گزینش مصداق‌ها بوده است و از این رو برای بررسی کاربردی چارچوب مفهومی دو خانه از خانه‌های این پژوهش را انتخاب کردیم.

تداوم کارکرد در این مصداق به‌طور کامل مشهود است و همین امر دلیل انتخاب آن به‌عنوان نمونه میراث زنده مسکونی بوده است. سکونت چند نسل از خانواده آقای صفری در طبقات مختلف خانه، نشان‌دهنده تداوم میان‌نسلی است. نمونه بارز تداوم جلوه‌های فرهنگی در قالب یک پراتیک فضاوند را می‌توان در عادت برگزاری مراسم عاشورا و پخت سالیانه نذری در حیاط مشاهده کرد؛ امری که باعث می‌شد گردهمایی اعضای خانواده و فامیل، حتی آن‌هایی که دیگر ساکن خانه نبودند، طی نسل‌ها ادامه یابد و بدین ترتیب جلوه‌های ملموس و ناملموس معنای مکان در این خانه حفظ شود (تصویر ۲ و ۳). تداوم این پراتیک فضاوند که در اتاق‌ها و حیاط خانه روی می‌داد ساکنان را هر سال در این مراسم در خانه‌ها و اجدادی جمع می‌کرد و علاوه بر حفظ صورت‌هایی از زندگی گذشته، باعث می‌شد میراثی زنده از گذشته در این خانه باقی بماند. به این ترتیب در این خانه آیینتوس و پراتیک فضاوند باعث تداوم در هر چهار سطح تداوم کارکرد، تداوم ارتباط جامعه مرکزی، تداوم مراقبت‌های سنتی و تداوم جلوه‌های فرهنگی گشته است (طباطبائی ۱۳۹۴).



تصویر ۲: حیاط خانه به‌عنوان فضای مرکزی، محل برگزاری سالیانه مراسم نذری‌پزان در ایام عاشورا (آرشیو شخصی علی طباطبائی)

فارغ از نقش حیاتی حیاط در فراهم کردن امکان گردهم‌آیی و برگزاری این مراسم جمعی، فضای داخلی خانه نیز از طریق نحوه چیدمان و سازمان‌دهی فضاها در تداوم این سنت نقش داشته است. مفروش کردن کف اتاق‌ها و امکان نشستن، گرد هم آمدن و صرف غذا بر روی زمین که یکی از عادات فرهنگی ریشه‌دار در شیوه زندگی ایرانی است، نوعی تداوم کالبدی و رفتاری را میان گذشته و زندگی امروز ایجاد می‌کند (تصویر ۳). در این شیوه، فضا نه صرفاً محلی برای اسکان، بلکه بستر تحقق پراتیک‌های اجتماعی، آیینی و عاطفی روزمره است.

نشستن بر روی زمین یک رفتار ساده و روزمره به نظر می‌رسد، اما در سطح اجتماعی و فرهنگی، بازتاب ابیتوس خانوادگی و جمعی است؛ یعنی الگوها و عادت‌واره‌هایی که در طول زمان در بدن، رفتار و تجربه زیسته افراد رسوب کرده‌اند و به‌طور ناخودآگاه در شیوه‌های استفاده از فضا تکرار و بازتولید می‌شوند. این ابیتوس است که تعیین می‌کند چگونه بدن در فضا قرار گیرد، چگونه ارتباطات میان افراد شکل گیرد و چگونه فضا معنا یابد. از این منظر، فضا و رفتار در پیوندی دوسویه تداوم می‌یابند: فضا امکان پراتیک را فراهم می‌کند و پراتیک، معنا و حیات فضا را بازتولید می‌کند. بنابراین، مفروش بودن کف و امکان نشستن بر زمین، صرفاً یک انتخاب کارکردی نیست، بلکه شیوه‌ای از بودن در فضا است که آیین‌های خانوادگی، روابط صمیمانه، گردهم‌آیی‌های مذهبی و روابط اجتماعی را به‌واسطه بدن و تجربه مشترک در فضا استمرار می‌بخشد و بدین ترتیب میراث زنده مسکونی را نه در کالبد بنا، بلکه در تداوم سبک زندگی قابل مشاهده می‌سازد.



تصویر ۳: چیدمان فضای داخلی خانه صفری (آرشیو شخصی علی طباطبائی)

۲.۳. خانه یلدا در تهران

خانه دیگری که از پژوهش طباطبائی و مصاحبه با او برای بررسی کاربست چارچوب مفهومی انتخاب کردیم، خانه خانم ترانه یلدا، معمار و کنشگر معماری و شهر در خیابان ۳۰ تیر تهران است. ترانه یلدا سال‌هاست مالک دو واحد از این خانه است؛ خانه‌ای که توسط اوژن آفتاندلیانس در دهه سی شمسی ساخته شده است. او در این دو واحد با بهره از دید معمارانه خود رویکرد متفاوتی برای کاربری فضا در نسبت با ابیتوس‌های فضایی را انتخاب کرده است. در یک واحد، تداوم پراتیک‌های فضاوند و شیوه‌های زیست پیشین حفظ شده است؛ فضاها تقریباً با همان ساختار اولیه مورد استفاده قرار می‌گیرند و تغییرات کالبدی محدود و هدفمند بوده‌اند. برای نمونه، آشپزخانه همچنان در جایگاه مستقل خود باقی مانده است (طباطبائی ۱۳۹۴)؛ فضایی ایزوله و جدا از فضای نشیمن که برخلاف الگوهای رایج امروزی آشپزخانه‌های این در خانه‌های معاصر، مرزبندی فضایی و رفتاری گذشته را حفظ کرده است. باین حال در این آشپزخانه، اجاق گاز مدرن‌تری در محلی قرار گرفته است که اساساً برای نوع قدیمی‌تری از اجاق طراحی شده بود. این جای‌گذاری نه تنها امکان پاسخ‌گویی به نیازهای جدید پخت‌وپز را فراهم کرده، بلکه پیوستگی میان کالبد و شیوه‌های عمل روزمره را نیز حفظ

کرده است (تصویر ۵). کاشی کاری‌ها، ارتفاع طاقچه‌ها، کانون حرارتی و جایگاه پخت‌وپز همچنان حامل یادمان‌های رفتاری و فضایی نسل‌های پیشین هستند؛ عناصری که نشان می‌دهند چگونه فضا، حتی در مواجهه با ابزارهای جدید، الگوی بنیادی استفاده خود را حفظ و بازتولید می‌کند. به بیان دیگر، فضا با تغییر ابزار، شکل استفاده و منطق فرهنگی نهفته در پس کنش‌های روزمره را از دست نداده بلکه آن را تداوم بخشیده است.

در تصویر مربوط به فضای نشیمن (تصویر ۶)، اصالت ساختاری و سازمان فضایی خانه به‌طور کامل حفظ شده است: نورگیری طبیعی، نسبت نشیمن به بالکن و ارتباط فضایی پیوسته همچنان برقرار است. با این حال، حضور کولر گازی به‌عنوان یک عنصر ضروری زندگی امروز در فضا، نشان می‌دهد که تداوم فضا، امری ایستا و بدون تغییر نیست، بلکه پیوسته در حال مذاکره با نیازهای جدید زندگی معاصر است. این نمونه نشان می‌دهد که تداوم میراث زنده نه به‌معنای تثبیت گذشته، بلکه به‌معنای توانایی فضا در پذیرش تغییراتی است که ایتنوس‌های جدید می‌آفرینند.



تصویر ۴: نمای ساختمان از بیرون (آرشیو شخصی علی طباطبائی)



تصویر ۵: آشپزخانه و تداوم کالبدی ساختار فضا با اندکی تغییرات در اثاث (آرشیو شخصی علی طباطبائی)



تصویر ۷: راهروی خانه خانم یلدا؛ میلمان برای نشستن راحت و کولر گازی به فضا افزوده شده است، درحالی که مترپال و مصالح کف خانه، همان آجر قدیمی و اصلی بنا حفظ شده است (آرشیو شخصی علی طباطبائی).



تصویر ۶: نشیمن خانه ترانه یلدا (آرشیو شخصی علی طباطبائی)

۳.۳. خانه سیاهمشق در مهاباد

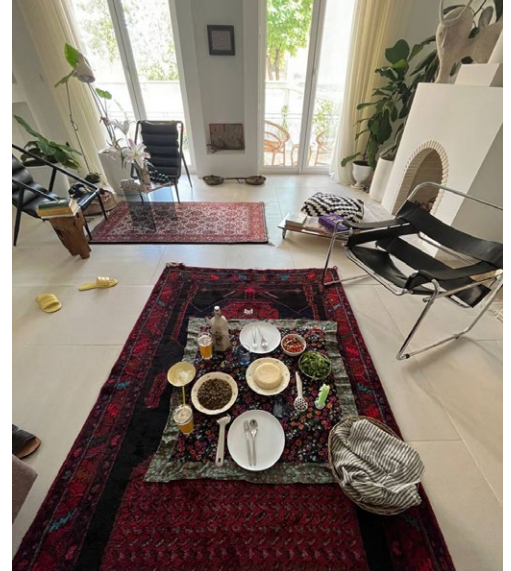
مصدق بعدی، خانه خانوادگی سارا حسنی نالوسی، معمار و پژوهشگر معماری در شهر مهاباد است. در گفت‌وگویی که با او، به‌عنوان ساکن فعلی خانه که خود نیز پژوهشگر دکتری معماری است، انجام شد (حسنی نالوسی ۱۴۰۲)، روشن گردید که او در فرایند بازسازی این خانه و همچنین در تدوین رساله دکتری خود، به تداوم پراتیک‌های فضا‌مندی که از دوران کودکی تا امروز در این خانه تجربه کرده توجه داشته است؛ به‌ویژه نحوه استفاده زنان از فضاها، شیوه‌های حضور آنان در خانه و الگوهای رفتاری و حرکتی که در طول زمان در کالبد و ریتم زندگی خانوادگی رسوخ کرده‌اند.

به تعبیر او، «فضا، امتداد زیستن است. هیچ فضایی بی‌حضور شکل نمی‌گیرد و مختصات آن نه در پلان و نقشه، که در ردّ قدم‌ها، مکث‌ها، تردیدها و تکرار زیستن‌ها شکل می‌گیرد» (همان). او تأکید می‌کند که معماری زمانی معنا پیدا می‌کند که سکونت در آن جاری باشد؛ سکوتی که در آن، زنان با حضور مستمر و پیوند عاطفی‌شان با خانه، ابعاد پنهان فضا را آشکار می‌کنند. به‌گفته او، «هندسه‌های خانه نه در ابعاد رسمی، بلکه در تجربه حسی و روزمره معنا می‌یابند: گوشه‌ای که محل نشستن کودک است، کنجی که پناه مکث‌های روزانه است، یا مسیری که با ریتم زندگی هماهنگ شده است» (گفت‌وگویی شخصی با سارا حسنی نالوسی).

در فضای داخلی خانه، عادت گستردن سفره و صرف غذا بر روی زمین در کنار حضور میلمان و چیدمان مدرن و حتی با وجود میز ناهارخوری، نشان‌دهنده تداوم یک شیوه زیست ریشه‌دار است (تصویر ۸ و ۹). امکان‌پذیری این پراتیک، نیازمند فضایی انعطاف‌پذیر و تا حدی مفروش است که اجازه دهد سفره بر زمین گسترده شود و افراد در سطح پایین گرد هم آیند. این هم‌زمانی نشان می‌دهد که تداوم میراث زنده بیش از آنکه صرفاً به فرم و کالبد وابسته باشد، در شیوه‌های بودن و عمل کردن در فضا و در امکان‌هایی که فضا برای این شیوه‌ها فراهم می‌کند جریان دارد.



تصویر ۹: حضور میز ناهخوری در فضا (آرشیو شخصی سارا حسنی نالوسی)



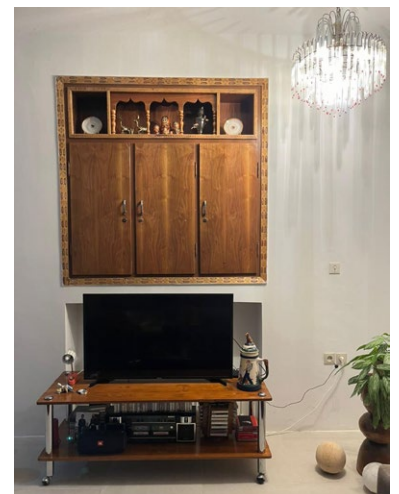
تصویر ۸: صرف غذا در خانه امروزی با گستراندن سفره بر روی زمین، به شیوه‌ای که در گذشته مرسوم بود (آرشیو شخصی سارا حسنی نالوسی).

در این خانه، استفاده از اشیای قدیمی خانوادگی در کنار تجهیزات و مبلمان مدرن، صرفاً یک انتخاب زیبایی‌شناختی نیست؛ بلکه این هم‌نشینی نشان می‌دهد که ساکنان چگونه با فضا و میراث گره‌خورده به زندگی خود وارد گفت‌وگویی جاری و فعال می‌شوند و به اشیا حیات تازه می‌بخشند. بدین ترتیب، حافظه فضا تنها در کالبد بنا نیست، بلکه در الگوهای استفاده، تکرار رفتارها و بازخوانی اشیا در بستر زندگی روزمره تداوم می‌یابد (تصاویر ۱۰).

مطالعه معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۸ - پاییز و زمستان ۱۴۰۴

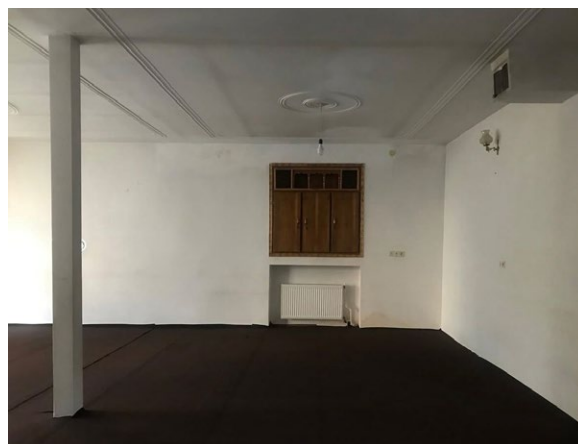
۱۰۰



تصویر ۱۰: سه میز، یک داستان: یک میز قدیمی به سه میز جدید تبدیل شده است (آرشیو شخصی سارا حسنی نالوسی).



تصویر ۱۲: نشیمن خانه؛ حضور کم‌چوبی قدیمی در دل چیدمان معاصر (آرشیو شخصی سارا حسنی نالوسی)



تصویر ۱۱: نشیمن خانه (آرشیو شخصی سارا حسنی نالوسی)

این هم‌نشینی عناصر سنتی و معاصر در حیاط خانه نیز قابل مشاهده است (تصویر ۱۳ و ۱۴). حوض که در گذشته کارکردهایی همچون شست‌وشو، خنک‌سازی و آبیاری داشته، امروز با افزودن گوی‌های تزئینی رنگی معنای بصری تازه‌ای یافته است؛ عنصری معاصر که بدون از میان بردن کاراکتر تاریخی فضا، خوانشی جدید از آن ارائه می‌دهد. این امر نشان می‌دهد فضاهای حیاطی قابلیت جذب و ادغام با زیبایی‌شناسی امروزی را در عین حفظ ریشه‌های سنتی خود دارند. همچنین، تداوم استفاده از ایوان به‌عنوان فضایی برای نشستن و معاشرت، در کنار حفظ رسم نشستن روی زمین برای صرف غذا و در عین حال افزودن صندلی‌ها برای راحتی بیشتر، نمونه‌ای روشن از هم‌زیستی تداوم و تغییر است (تصویر ۱۷ و ۱۸).

مطالعه معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۸ - پاییز و زمستان ۱۴۰۴

۱۰۱



تصویر ۱۴: گوی‌های تزئینی در حوض قدیمی حیاط (آرشیو شخصی سارا حسنی نالوسی)



تصویر ۱۳: افزودن تاب به کنجی از باغچه (آرشیو شخصی سارا حسنی نالوسی)



تصویر ۱۶: صندلی‌ها نیز برای راحتی در دسترس هستند (آرشیو شخصی سارا حسینی نالوسی).



تصویر ۱۵: استفاده از ایوان برای صرف غذا بر روی زمین به شیوه سنتی (آرشیو شخصی سارا حسینی نالوسی)

۴.۳. خانه حیات و خانه بلند در یزد

دو مصداق بعدی که برای بررسی کارایی چارچوب مفهومی انتخاب شده‌اند، خانه حیات و خانه بلند در یزد هستند؛ خانه‌هایی که فرایند مرمت و بازسازی آن‌ها توسط نیروی متخصص انجام گرفته است. با این حال، در این پروژه‌ها، سید هادی رضوی و گروه او، از طریق گفت‌وگو با ساکنان و بررسی شیوه‌های زیست گذشته در بافت یزد کوشیده‌اند تا بازسازی، صرفاً به مرمت ظاهری یا بازسازی سطحی از بالا به پایین محدود نشود. در واقع، تأکید اصلی بر آن بوده است که بازسازی در عمق شیوه‌های استفاده و زیست روزمره نیز معنا پیدا کند.

این دو خانه، که در بستر جغرافیایی مشترک شهر یزد قرار دارند و از نظر ساختار کالبدی و سازمان فضایی نیز شباهت‌های قابل توجهی دارند، در کنار هم بررسی شده‌اند تا روشن شود که شیوه‌های برخورد با فضا و ایجاد امکان‌های فضاوند در بسترهای مشابه نیز می‌توانند به صورت‌های متنوع و متناسب با شرایط زیستی ساکنان شکل بگیرند. در هریک از این خانه‌ها، برخی پراتیک‌های فضاوند گذشته همچنان استمرار یافته‌اند و در کنار آن‌ها، پراتیک‌هایی برآمده از ایتوس‌های جدید و نیازهای نسل‌های اخیر نیز به فضا افزوده شده است. این هم‌نشینی نشان می‌دهد که تداوم میراث زنده روندی تدریجی و سیال است که در هر خانه براساس حافظه فضایی، تجربه‌های زیسته و ترجیحات ساکنان به گونه‌ای خاص شکل می‌گیرد و ادامه می‌یابد، بی‌آنکه به الگوی واحد یا نسخه‌ای ثابت تقلیل یابد. برای مثال، ایوان در هر دو خانه نه تنها عنصری کالبدی، بلکه بستری برای تداوم فرهنگی و ایجاد ارتباط چندحسی با فضای سکونت است. با این حال، شیوه استفاده از ایوان در این دو خانه متناسب با شیوه‌های زیست کنونی ساکنان شکل گرفته است: در خانه حیات، ایوان با قرارگیری میز غذاخوری امکان صرف غذا در فضای نیمه‌باز را فراهم می‌کند؛ در حالی که در خانه بلند، ایوان مفروش شده و گرد هم آمدن و نشستن بر زمین همچنان به عنوان پراتیکی ریشه‌دار ادامه دارد (تصویر ۱۷ و ۱۸). به همین ترتیب، حیاط‌ها و بام‌ها نیز در گذشته فضاهایی چندمنظوره بودند که از آن‌ها برای صرف دسته‌جمعی غذا، فعالیت‌های تفریحی، برگزاری آیین‌ها و نیز کارکردهای عملی همچون باغبانی، خنک کردن میوه‌ها در حوض حیاط در تابستان، یا خوابیدن در فضای باز زیر پشه‌بند، استفاده می‌شد که این پراتیک‌های فضاوند هم در این دو خانه استمرار یافته است.



تصویر ۱۸: ایوان مفروش و شیوه متفاوتی از امکان صرف غذا در این فضای نیمه‌باز (https://torabhome.com/projects/boland-house)



تصویر ۱۷: ایوان با میز غذاخوری و امکان صرف غذا در این فضای نیمه‌باز (https://torabhome.com/projects/hayat-house/)

در نشیمن هر دو خانه، ساختار فضایی و ریتم کالبدی مشترک حفظ شده است؛ طاق‌نماها، ورود نور طبیعی و ارتباط با حیاط همچنان هویت اتاق را شکل می‌دهند. تفاوت نه در کالبد، بلکه در شیوه استفاده و نحوه نشستن و گردهم‌آیی بروز می‌یابد. در خانه حیات، چیدمان بر پایه مبلمان مدرن سامان یافته و بخشی از کف مفروش است؛ وضعیتی که امکان نشستن راحت‌تر را فراهم می‌کند، اما در عین حال فضا را برای پهن کردن سفره و نشستن روی زمین در موقعیت‌های خاص نیز آماده نگه می‌دارد (تصویر ۱۹). در مقابل، در خانه بلند، کف به‌طور کامل مفروش است و تکیه‌گاه‌ها پیرامون فضا چیده شده‌اند؛ بنابراین نشستن بر زمین همچنان پراتیک غالب است و بدن در تماس مستقیم با فضا قرار می‌گیرد (تصویر ۲۰). این شیوه استفاده از فضا در خانه بلند، چندکارکردی بودن نشیمن را نیز ممکن می‌سازد: در سمت راست تصویر، وجود تشک، لحاف و پتو نشان می‌دهد که همین اتاق در زمان دیگری محل خواب است؛ و حضور وسایل چای در گوشه فضا، استمرار عادت‌های روزمره پذیرایی و معاشرت را برجسته می‌کند. در چنین فضایی، گستردن سفره می‌تواند بسته به تعداد افراد و لحظات زندگی، در نقاط مختلف اتاق صورت گیرد.

به این ترتیب، پراتیک‌های فضا‌مند (نشستن، خوابیدن، پذیرایی، غذا خوردن) به جای آنکه به فضاهای جداگانه و تخصصی سپرده شوند، در یک اتاق واحد تداوم می‌یابند. در نتیجه، تصمیم‌های معماری نیز با این شیوه زیست هماهنگ می‌شوند؛ برای مثال، انتخاب کف پوش مناسب برای نشستن یا ایجاد سطوحی برای قرار دادن اشیای مورد استفاده روزمره. در مجموع، با وجود اشتراک کالبدی و زمینه جغرافیایی مشابه، هر اتاق براساس ایتوس و عادت‌های زیستی ساکنان خود سازمان می‌یابد؛ تداوم نه در تکرار یکسان گذشته، بلکه در سازگار شدن فضا با شیوه‌های زیستن امروز دیده می‌شود.

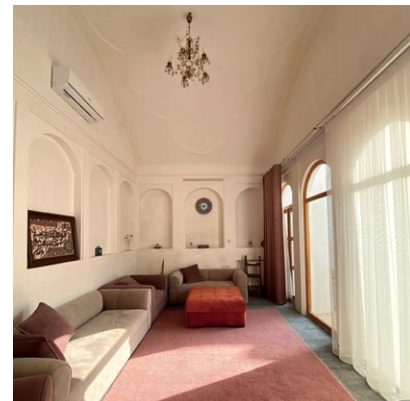
مطالعه معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۸ - پاییز و زمستان ۱۴۰۴

۱۰۳



تصویر ۲۰: وضعیت معاصر فضای نشیمن اصلی (https://torabhome.com/projects/boland-house/)



تصویر ۱۹: وضعیت معاصر فضای نشیمن اصلی (https://torabhome.com/projects/hayat-house/)

علاوه بر مواردی که اشاره شد، در این مصداق حیاط خانه برای میزبانی رویدادها و آیین‌های فرهنگی، مانند شعرخوانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این پراتیک تازه فضا را آمیختگی‌ای از مهمان‌نوازی سنتی ایرانی با بیان‌های هنری معاصر در بازتولید فضا است. همچنین حیاط همچون فضایی محبوب برای بازی کودکان، زیرا محیطی امن، باز و درعین حال خصوصی را درون خانه فراهم می‌کند (تصویر ۲۱). به این ترتیب، میراث در پرتو سازگاری مداوم عملکردهای فضایی و پراتیک‌های اجتماعی، جایگاه خود را در بستر زندگی معاصر حفظ می‌کند و بدین‌گونه، ارتباطی پایدار با نسل‌های امروز و آینده برقرار می‌سازد.



تصویر ۲۱: حیاط مرکزی خانه بلند (https://torabhome.com/projects/boland-house)

۴. بحث؛ جلوه‌های تداوم در میراث زنده مسکونی در ایران

در این بخش، با اتکا به چارچوب مفهومی بر ساخته شده و مشاهداتمان از مصداق‌ها، ظرایف مفهوم تداوم در میراث زنده مسکونی را بازتر می‌کنیم. آنچه در نمونه‌ها برجسته است، این است که ماهیت میراث زنده، پیش از هر چیز، در تداوم سکونت و امکان زیست پیوسته در خانه تحقق می‌یابد؛ خانه زمانی زنده می‌ماند که بتواند توسط نسل‌های مختلف سکونت‌پذیر باشد و فضاهای آن متناسب با نیازهای زیست روزمره قابلیت استفاده متغیر و انعطاف‌پذیر در ارتباط با ایتوس‌های در حال تغییر را داشته باشد.

این موضوع در فضاهای باز و نیمه‌باز خانه، مانند حیاط، ایوان و بام، به خوبی قابل مشاهده است؛ فضاهایی که در گذشته و امروز، بسته به نیاز، کارکردهای متنوع به خود گرفته و امکان فعالیت‌های گوناگون از جمله پذیرایی، صرف غذا، گردهم‌آیی‌های خانوادگی، مذهبی و آیینی، فعالیت‌های فصلی و یا حتی خواب و استراحت را در یک بستر واحد فراهم کرده‌اند. ماهیت چندعملکردی بودن و انعطاف‌پذیری این فضاها، که امروزه کمتر در خانه‌های مسکونی نوساز دیده می‌شود، نه تنها امکان تداوم پراتیک‌های فضایی بر مبنای ایتوس‌های فرهنگی - تاریخی (همانند مراسم پخت نذری در خانه صفری) را فراهم می‌کند، بلکه امکان‌های جدید و متناسب با ایتوس‌ها و عادت‌واره‌های امروزی ساکنان، همانند صرف غذا در فضای باز بر روی میز ناهارخوری را پشتیبانی می‌کند.

این چندمنظوره بودن فضا در بخش‌های داخلی نیز ادامه دارد. در بسیاری از خانه‌های تاریخی، با وجود آنکه آشپزخانه فضایی مستقل و جدا بوده است (باز هم برخلاف آنچه امروزی غالباً در الگوی مسکن آپارتمانی ایرانی مشاهده می‌شود)، اتاق نشیمن و پذیرایی فضای چندعملکردی بوده نقش‌های متعددی را بر عهده داشته‌اند و بسته به موقعیت و زمان، برای نشستن، گردهم‌آیی، صرف غذا و حتی خواب استفاده می‌شده‌اند. در نمونه‌های بررسی شده، همچون خانه سیاه‌مشق و خانه حیات، این کارکردپذیری سیال همچنان حضور دارد؛ سفره بر زمین گسترده می‌شود و چیدمان

فضا به گونه‌ای است که بدن در تماس مستقیم با اتاق می‌نشیند و حرکت می‌کند. این شیوه، به‌عنوان پراتیک فضامند برخاسته از ایتوس فرهنگی، نه صرفاً یک عادت، بلکه نحوه‌ای از سازمان‌دهی فضا است که به شکل‌گیری تصمیم‌های طراحی و چیدمان نیز جهت می‌دهد؛ از نوع کف‌پوش تا نحوه قرارگیری وسایل. به این ترتیب، مفهوم تداوم در این خانه‌ها در استمرار شیوه‌های زیست و امکان‌پذیری پراتیک‌های فضامند قابل تشخیص است؛ یعنی جایی که فضا با زندگی در جریان تعریف می‌شود، نه با الگوهای ثابت و ازپیش‌تعیین‌شده.

علاوه بر ساختارهای کالبدی و ماهیت منعطف و چندعملکردی فضاها که امکان تداوم و تغییر پیوسته را فراهم می‌کنند، مصداق‌ها نشان دادند که نقش اشیاء، اثاثیه و مبلمان نیز در تداوم پراتیک‌های فضامند کمتر از خود فضا نیست. استفاده از اشیای قدیمی در همان جایگاه پیشین، تغییراتی که برای سازگاری با نیازهای امروز در آن‌ها ایجاد شده، یا تعریف کارکردهای جدید برای آن‌ها، و همچنین افزوده شدن اشیاء و مبلمان معاصر در کنار آن‌ها، همگی بیانگر تطبیق تدریجی فضا با ایتوس‌های امروزی در عین امکان‌زایی برای تمرین ایتوس‌های قدیمی‌تر است. در این میان، اشیاء نه صرفاً عناصر تزئینی، بلکه عوامل فعال در شکل‌دهی به رابطه میان گذشته و اکنون هستند. آن‌ها نشان می‌دهند که ساکنان چگونه با فضای میراثی درگیر می‌شوند و آن را در جریان زندگی روزمره بازتعریف می‌کنند. بازکاربرد اشیاء در چنین فضاهایی، یکی از جنبه‌های کلیدی استمرار زیست در خانه است؛ چراکه امکان می‌دهد اشیای قدیمی حیات تازه‌ای بیابند و در عین حال پراتیک‌های فضامند در پاسخ به نیازهای معاصر تداوم یابند. بدین ترتیب، تداوم نه تنها در کالبد فضا، بلکه در تعامل میان فضا، اشیاء و عادات‌های زیسته ساکنان شکل می‌گیرد.

ترکیب اجزای سنتی و معاصر را می‌توان به روشنی در خانه سیاه‌مشق مهاباد، خانه بلند و خانه ترانه یلدا مشاهده کرد. مثلاً در خانه سیاه‌مشق مهاباد گوی‌های تزئینی رنگارنگ و زنده به حوض حیاط افزوده شده‌اند؛ عنصری سنتی که در گذشته برای شست‌وشو، استحمام در تابستان، خنک‌سازی میوه‌ها و آبیاری گیاهان استفاده می‌شد. حضور این گوی‌ها، با افزودن بعدی زیبایی‌شناختی و معاصر، باعث احیای ویژگی سنتی حوض شده و نشان می‌دهد که چگونه زیبایی‌شناسی مدرن می‌تواند در کنار مؤلفه‌های تاریخی هم‌زیستی یابد. این امر بار دیگر بر انعطاف‌پذیری فضاهای حیاطی در تطبیق با طراحی معاصر و در عین حفظ کارکرد سنتی‌شان تأکید می‌کند.

به این ترتیب خوانش تطبیقی مصداق‌ها براساس چارچوب مفهومی این پژوهش، نشان می‌دهد که چگونه پراتیک‌های فضامند باعث تداوم زندگی در نمونه‌هایی مسکونی شده و چگونه در آن‌ها «نگرش‌ها و کنش‌های عادت‌واره»^{۲۵} (Shields 1999, 154-155) منعکس می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که آنچه استمرار زیست و سکونت در خانه‌های تاریخی و امکان‌شناسایی و تعریف آن‌ها به‌عنوان «میراث زنده مسکونی» را ممکن می‌سازد، نه صرفاً حفظ و بقای کالبد، بلکه تداوم پراتیک‌های فضامند شکل‌دهنده به شیوه‌های زیستن در آن‌هاست. تجربه زندگی روزمره و تداوم آداب‌ورسوم در این محیط‌ها همان چیزی را می‌سازد که از آن با نام «میراث مسکونی زیسته» یاد می‌شود؛ فضاهایی که ساکنان آن‌ها همچنان در خانه‌های نیاکانی خود زندگی می‌کنند و از طریق «چیدمان‌ها و پراتیک‌های فضامند» (Ibid, 155) که در طول نسل‌ها شکل گرفته‌اند، سنت‌های فرهنگی را زنده نگاه می‌دارند. با مروری بر چارچوب مفهومی میراث زنده مسکونی علاوه بر اهمیت تداوم و تعریف مبانی مفهوم می‌توان خلاصه گفت زنده بودن در بستر میراث زنده مسکونی به معنی تعاملی سازگاران و شراکتی کامل در روابط پویای گذشته، حال و آینده ساکنان با میراثشان است (Kimball 2013, 5).

با اتخاذ چنین چارچوبی برای خوانش، شناسایی و حفاظت از خانه‌های تاریخی می‌توانیم دریابیم که اولاً قدرت فرایند حفاظت که در بیشتر موارد در اختیار متخصصان حفاظت است، به جوامع ساکن منتقل می‌شود؛ ثانیاً دیگر تأکید صرفاً بر حفاظت بعد مادی (ملموس) نیست، بلکه بر حفظ ارتباط (بعد ناملموس) ساکنان با میراث نیز تأکید می‌شود؛ ثالثاً میراث یادبودی از گذشته تلقی نمی‌شود که باید در خاطر نسل‌های آینده، از آسیب‌های جامعه فعلی محافظت شود. در موارد بررسی‌شده، میراث (به‌مثابه ساختار فیزیکی یا زمینه فضایی) و پراتیک‌های جاری درون آن، هم حفظ می‌شوند و هم متناسب با شرایط زندگی معاصر بازتفسیر و سازگار می‌گردند. تولید و بازتولید فضا و همچنین چیدمان‌های مکانی

و نظم‌های اجتماعی، در قلب مفهوم پراتیک فضا ماند قرار دارند. این پراتیک‌ها نه تنها جنبه‌های کالبدی فضا را در بر می‌گیرند، بلکه بر ایتوس، الگوهای رفتاری، عادت‌ها، آیین‌ها و روبه‌هایی تأکید دارند که در بطن خانه‌ها نهادینه شده‌اند و به‌طور مداوم با تغییر شرایط، تطبیق می‌یابند و پویایی میراث را حفظ می‌کنند (Rodwell 2007). اگر محیط کالبدی به‌ارثر رسیده را هم به‌نوعی شیء و هم فرایند درک کنیم، در این صورت پراتیک فضا ماند نوعی کنش فعال ساکنان و جوامع در تعامل با محیط است؛ کنشی که فضاهای میراثی را از طریق زندگی و زیستن مستمر بازآفرینی و دگرگون می‌سازد (Leckie and Given 2010, 228). به‌این ترتیب، در میان موارد بررسی‌شده، چهار جنبه کالبدی پراتیک فضا ماند شناسایی می‌شود:

- تداوم، تطبیق و تحول کالبد فضایی؛
- تداوم، تطبیق و تحول اشیا و مبلمان؛
- تداوم، تطبیق و تحول ایتوس‌های خانوادگی و فرهنگی؛
- تداوم، تطبیق و تحول کارکردها، رفتارها و پراتیک‌های فضایی.

این مؤلفه‌ها که با استفاده از چارچوب مفهومی پژوهش استخراج شده‌اند نشان می‌دهند که در این نمونه‌ها میراث تنها حفظ نمی‌شود، بلکه به‌طور مداوم بازاندیشی، بازتفسیر، بازتولید و از نو زیسته می‌شود. پراتیک‌های فضا ماند، در ابعاد زمانی و مکانی، پیوستگی گذشته، حال و آینده را در بر گرفته و عناصری ملموس و ناملموس را در فرایندی یکپارچه تلفیق می‌کنند. این پراتیک‌ها روحی تازه به میراث می‌بخشند و آن را به‌گونه‌ای منعطف، بازآفرینانه و قابل انطباق با نیازهای آتی بدل می‌سازند.

نتیجه

تحول در رویکردهای نهادهای بین‌المللی نسبت به میراث‌فرهنگی، منجر به ظهور پارادایم جدیدی به نام «میراث زنده» شده است که میراث‌فرهنگی را نه شیئی ایستا، بلکه به‌مثابه فرایندی پویا و در حال تحول در نظر می‌گیرد. امروزه، محوطه‌های میراثی بیش از گذشته فضاهایی زیسته و محل پراتیک اجتماعی و فضا ماند روزمره شناخته می‌شوند. در این میان، مفهوم پراتیک فضا ماند مفهومی کلیدی برای فهم سازوکارهای اتصال ساکنان به میراث زنده مسکونی و ساخت چارچوبی مفهومی برای فهم و حفظ پویایی و کارکرد آن در مطالعه و حفاظت از میراث زنده مسکونی به شمار می‌رود. پراتیک‌های فضا ماند که از ایتوس‌های فردی یا جمعی ریشه می‌گیرند، نحوه ادراک، ارزش‌گذاری و تعامل ساکنان با فضاهای میراثی را بازتاب می‌دهند. این پراتیک‌ها نشان می‌دهند که افراد چگونه از ساختارهای کالبدی میراث برای بروز و تداوم عادات و رسوم فرهنگی خود بهره می‌گیرند.

کاربست چارچوب مفهومی پیشنهادی در این پژوهش در بررسی مصداق‌هایی از خانه‌های تاریخی که می‌توان آن‌ها را میراث زنده مسکونی دانست، صحت و اعتبار کارکردی چارچوب مفهومی ارائه‌شده را تأیید می‌کند. در خانه‌های ایرانی مورد بررسی، برای نمونه، سنت‌هایی همچون صرف غذا روی زمین هنوز به‌طور فعال ادامه دارند؛ جایی که فضا خود موجب تسهیل استمرار عادات گذشته در کنار پاسخ به نیازهای معاصر می‌شود. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که به‌کارگیری مفاهیمی مانند «ایتوس» و «پراتیک‌های فضا ماند» هم به فهم بهتر تداوم زندگی در میراث زنده مسکونی کمک می‌کند و هم واژگان روشن‌تری برای توضیح شیوه‌های تولید و بازتولید فضا در اختیار می‌گذارد. این رویکرد نظری که در نسبت با قوانین و بیانیتهای متأخر درباره اهمیت میراث زنده است، بر اهمیت استمرار هم‌زمان سنت و نوپردازی در چارچوب استفاده انعطاف‌پذیر از فضاهای میراثی تأکید دارد. ترکیب اجزای قدیمی و جدید، از استفاده مجدد اشیا گرفته تا ادغام عناصر طراحی معاصر، نشان می‌دهد که فضاهای میراثی چگونه می‌توانند همچنان پویا، معنادار و کاربردی باقی بمانند. این تحول تدریجی که از دل پراتیک‌های فضا ماند برمی‌خیزد، ماهیت زنده و مستمر میراث را به نمایش می‌گذارد؛ میراثی که از گذشته شکل می‌گیرد اما برای حال و آینده زندگی می‌کند. بنابراین تغییر در عادات، آیین‌ها و نحوه استفاده از اشیا و فضا، زندگی افراد و ادراک آنان از فضا را شکل و تغییر می‌دهد. ساکنان از طریق «کنش‌های ذهنی و زندگی

روزمره خود»، تجربه زیستن در یک فضا را تداوم بخشیده و می‌توانند با تغییرات کوچک اما معنادار، محدودیت‌های محیط کالبدی را به چالش کشیده و آن را متناسب با نیازهای حال و آینده خود بازتنظیم کنند و بدین ترتیب نظم اجتماعی تثبیت‌شده را در مقیاس خرد مختل نمایند.

رویکرد حفاظت از «میراث زنده مسکونی»، مبتنی بر دخالت ساکنان به‌عنوان جامعه مرکزی ذی‌نفع، در تلاش برای حفظ و بازتولید هویت کالبدی آن، با استمرار پراتیک‌های فضا‌مند مبتنی بر ایتوس‌های فرهنگی آن‌هاست. این پراتیک‌ها، با گنجانیدن امکان تغییر برای پاسخ به نیازهای معاصر، در عین حفظ و تداوم کارکردها، به حفظ فضای کالبدی میراث کمک می‌کنند. از این‌رو استفاده از این چارچوب مفهومی در پژوهش‌ها و پروژه‌های میراثی می‌تواند باعث شود با عمق و دقت بیشتری به میراث ارزشمند باقی‌مانده از گذشتگان نظر کنیم و بحث و تصمیم‌گیری راجع به آن‌ها را در نسبت با مفهوم پراهمیت میراث زنده پیش ببریم.

در نهایت، می‌توان گفت که میراث زنده مسکونی تنها یک کالبد تاریخی نیست، بلکه بستری برای تداوم تجربه‌های زیسته و تجلی هویت فردی و جمعی ساکنان است. هویت در این خانه‌ها نه به‌صورت انتزاعی، بلکه در پراتیک‌های فضا‌مند و در شیوه‌های بدن‌مند استفاده از فضا شکل می‌گیرد؛ از نشستن و گرد هم آمدن تا نحوه چیدمان و به‌کارگیری اشیاء در زندگی روزمره. این رفتارها ریشه در ایتوس دارند؛ ایتوس به‌عنوان مجموعه‌ای از عادت‌واره‌ها و سلیقه‌ها و الگوهای درونی شده که در طول زمان در پیوند با فضا، خانواده و حافظه جمعی تثبیت شده‌اند. به این ترتیب، فضا نه تنها زیستگاه، بلکه محملی برای بازتولید هویت است؛ هویتی که از خلال حضور، تکرار و کنش‌های روزمره شکل می‌گیرد و به نسل‌های بعد منتقل می‌شود. بنابراین، حفاظت از میراث زنده مسکونی در اصل به‌معنای حفاظت از امکان تداوم ایتوس‌ها و پراتیک‌های فضا‌مند است؛ یعنی حفظ ظرفیت خانه برای اینکه همچنان زندگی را در خود جاری نگه دارد و امکان دهد هویت، در هر دوره، در پیوند میان گذشته و اکنون دوباره ساخته شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. پراتیک فضا‌مند (Spatial Practice) به‌زعم آنری لوفور، به مجموعه کنش‌های روزمره و مادی اشاره دارد که افراد از طریق آن‌ها فضا را تجربه، تولید، و بازتولید می‌کنند. این کنش‌ها، شامل حرکت، استفاده، تصرف و درونی‌سازی فضا هستند و نشان می‌دهند که فضا نه تنها پس‌زمینه‌ای خنثی، بلکه حاصل روابط اجتماعی زیسته است (Lefebvre 1991, pp. 38–39). پراتیک فضا‌مند، در واقع سطحی از تولید فضاست که در آن، فضا با نیازها و کنش‌های زندگی روزمره پیوند می‌خورد و از طریق رفتارهای جمعی، به‌گونه‌ای تاریخی و اجتماعی سازمان می‌یابد. این مفهوم در بخش ۲.۳.۲ مقاله، در سیاق تحلیل میراث زنده مسکونی تعریف و معرفی شده است. برای مطالعه مستقل و آشنایی بیشتر با این مفهوم در آثار اصلی آنری لوفور، ر.ک: Lefebvre 1974; 1991a; 1991b; 2003; 2994 و لوفور ۱۳۹۷؛ ۱۳۹۹؛ ۱۴۰۰.

۲. ایتوس (Habitus)، به‌زعم پیر بوردیو، نظامی از گرایش‌های پایدار ذهنی و بدنی است که افراد در جریان زندگی اجتماعی خود آن را درونی می‌کنند و از طریق آن، کنش‌ها، ادراک‌ها و داوری‌های فرهنگی‌شان شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد (Bourdieu 1990, 52–56). این مفهوم در بخش ۳،۳،۲ مقاله، در سیاق این مقاله و در ارتباط با میراث زنده مسکونی معرفی و به کار گرفته شده است. برای مطالعه مستقل و آشنایی بیشتر با این مفهوم در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی، ر.ک: Bourdieu 1977; 1984; 1990; 1998 و نیز ر.ک: لطفی خاچکی و یوسفی ۱۴۰۱.

3. Gamini Wijesuriya
4. Ioannis Poullos
5. Gabriele Carmelo Rosato
6. Trulli of Alberobello
7. Ronald G. Knapp, Kai-Yin Lo
8. Inhabited Heritage

۹. یکی از موانع اصلی در آن زمان، تصور نادرستی بود که بر خودتداومی میراث ناملموس تکیه داشت. این تصور که جوامع محلی، به‌طور طبیعی و بدون نیاز به حمایت نهادی، میراث معنوی خود را به نسل‌های آینده منتقل خواهند کرد، سبب شد که حفاظت از این میراث کمتر مورد توجه قرار گیرد. اما با شدت گرفتن روند جهانی‌سازی، تماس‌های میان‌فرهنگی و تحمیل الگوهای فرهنگی جدید، توانایی نسل‌های مسن‌تر برای انتقال دانش‌های سنتی به نسل‌های جوان‌تر به‌شدت تضعیف شد (Lenzerini 2011, 102).
10. Living Heritage Sites Program, ICCROM, 2003
11. UNESCO 2030 Agenda for Sustainable Development
12. Monument
13. Matera, Italy
14. École des hautes études en sciences sociales, Paris, Île-de-France, France
15. The University of Basilicata, Potenza, Province of Potenza, Italy
16. Réaffectation
17. Vernacular heritage
18. Pierre Bourdieu
19. "Moving Beyond a Values-Based Approach to Heritage Conservation"
20. Continuity of function
21. Continuity of a core community connection
22. Continuity of care
23. Continuity of cultural expressions
24. Field
25. Attitudes and Habitual Practices

منابع

- بوتیک هتل خانه بلند ۱۳۹۸. <https://torabhome.com/projects/boland-house> (دسترسی در ۱۲ تیر ۱۴۰۴)
- بوتیک هتل خانه حیات ۱۳۹۷. <https://torabhome.com/projects/hayat-house> (دسترسی در ۱۲ تیر ۱۴۰۴)
- حسنی نالوسی، سارا. گفت‌وگوی شخصی با ثنا یزدانی (فروردین ۱۴۰۲). تهران.
- طباطبائی، علی. گفت‌وگوی شخصی با ثنا یزدانی (تیر ۱۴۰۴). تهران.
- فردانش، فرزین، پریسا محمدحسینی، علی‌اکبر حیدری. ۱۳۹۳. تحلیل فرهنگی خانه سلماسی تبریز براساس نظریهٔ رپوپورت. نشریهٔ مطالعات معماری ایران، ش. ۵: ۹۹-۸۱.
- لطفی خاچکی، طاهره، و علی یوسفی. ۱۴۰۱. تحلیل انتقادی نظریهٔ تمایز بوردیو با رویکردی فرانضری. پژوهشنامهٔ انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی ۲۲ (۱): ۳۳۳-۳۵۳.
- لوفور، آنری. ۱۳۹۷. تولید فضا. ترجمهٔ منوچهر شبیانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لوفور، آنری. ۱۳۹۹. تحلیل ریتم: زمان، فضا و زندگی روزمره. ترجمهٔ وحید رهنما. تهران: نشر بیدگل.
- لوفور، آنری. ۱۴۰۰. انقلاب شهری. ترجمهٔ مسعود کیان‌پور. تهران: نشر نی.
- مرتاض هجری، محمد، سید عباس یزدانفر، سید باقر حسینی. ۱۴۰۰. بررسی روابط متقابل سبک زندگی و سازمان فضایی خانه، مورد مطالعه: خانه‌های مسکونی شهرستان رشت. نشریهٔ مطالعات معماری ایران، ش. ۱۹: ۱۹۳-۲۱۳.
- هادی‌پور مرادی، مژگان، مسعود ناری قمی، ساناز رهروی پوده، و مریم قاسمی سیچانی. ۱۴۰۲. تأثیرات شیوهٔ زندگی زنان قوم لر بر تعریف عرصه‌های خصوصی و جمعی در خانه‌های تاریخی قاجاری خرم‌آباد. نشریهٔ مطالعات معماری ایران، ش. ۲۴: ۷۷-۱۰۷.
- Bourdieu, Pierre. 1977. *Outline of a theory of practice*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Bourdieu, Pierre. 1984. *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*. Translated by Richard Nice. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Bourdieu, Pierre. 1990. *The Logic of Practice*. Translated by Richard Nice. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Bourdieu, Pierre. 1998. *Practical Reason: On the Theory of Action*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage. 2003. Paris: UNESCO.
- Crossley, N. 2003. From reproduction to transformation: Social movement fields and the radical habitus. *Theory, Culture & Society* 20 (6): 43–68.
- Gueissaz, P., Steinmann, M., and Zurbuchen, B. 2013. *Le patrimoine habité. Transformations de bâtiments dans le Jura Vaudois*. Lausanne: Presses Polytechniques et Universitaires Romandes.
- Halbwachs, M. 1950/1980. *The collective memory*. New York City: Harper & Row Colophon Books.
- Hillier, J., and Rooksby, E. 2016. *Habitus: A sense of place* (2nd ed.). London: Routledge.
- ICCROM. 2013. *Living Heritage Sites Program*. Rome: ICCROM, 2003
- Kimball, M. 2013. Fostering Local Futures: Place Building Theory and the Living Heritage. *Paradigm. Applied Anthropologist* 33 (2): 4- 15.
- Knapp, R. G., and Lo, K.-Y. (Eds.). 2005. *House, home, family: Living and being Chinese*. Honolulu: University of Hawai'i Press.
- Leach, Neil, ed. 1997. *Rethinking Architecture: A Reader in Cultural Theory*. London: Routledge.
- Leckie, G. J., and Given, L. M. 2010. Henri Lefebvre and spatial dialectics. In *Critical theory for library and information science: Exploring the social from across the disciplines*. Libraries Unlimited.
- Lefebvre, Henri. 1974. *La Production de l'espace*. Paris: Anthropos.
- Lefebvre, Henri. 1991a. *Critique of Everyday Life I: Introduction*. London: Verso.
- Lefebvre, Henri. 1991b. *The Production of Space*. Trans. Donald Nicholson-Smith. Oxford: Blackwell.
- Lefebvre, Henri. 2004. *Rhythmanalysis: Space, Time and Everyday Life*. Trans. Stuart Elden & Gerald Moore. London: Continuum.
- Lefebvre, Henri. 2003. *The Urban Revolution*. Trans. Robert Bononno. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Lenzerini, F. 2011. Intangible cultural heritage: The living culture of peoples. *The European Journal of International Law* 22(1): 101-120.
- Lowenthal, D. 1998. *The Heritage Crusade and the Spoils of History*. London: Cambridge University Press.
- Maton, K. 2012. Habitus. In *Pierre Bourdieu: Key concepts, revised edition*. London: Acumen, pp. 48–64.
- Ndro, W. 2018. Expanding concepts of cultural heritage: Conservation and management of archaeological heritage resources, In *A. Heritage & J. Copithorne (Eds.), Sharing conservation decisions: Current issues and future strategies*, 15–22. Rome, Italy: ICCROM.
- Orbasli, A. 2002. *Tourists in historic towns: Urban conservation and heritage management*. London: Taylor & Francis.

- Poullos, Yannis. 2008. Living Sites: The Past in the Present – The Monastery of Meteora, Greece: Towards a New Approach to Conservation. Rome, Italy: ICCROM.
- Poullos, Yannis. 2010a. Moving Beyond Values-Based Approaches to Heritage Conservation. Rome, Italy: ICCROM.
- Poullos, Ioannis. 2010b. Conserving living religious heritage: Maintaining continuity and embracing change – The Hindu temples of Tanjore, Srirangam, and Tirupati in India. *South Asian Arts Journal*. http://www.southasianarts.org/2010/10/conserving-livingreligious-heritage_15.html (Accessed 2025,11,14)
- Poullos, Ioannis. .2011 Is Every Heritage Site a” Living “One ?Linking Conservation to Communities Association with Sites ,*The Historic Environment :Policy & Practice 2 (2e):*144–156.
- Poullos, Ioannis. 2014a. *The past in Present: A living Heritage Approach – Meteora, Greece*. London: ubiquity press.
- Poullos, Ioannis. 2014b. Discussing Strategy in Heritage Conservation: Living Heritage Approach as an Example of Strategic Innovation. *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development 4:* 16–34. <https://doi.org/10.1108/JCHMSD-10-2012-0048> (Accessed 2025,11,14)
- Poullos, Ioannis. 2018. On the greatest challenge in the management of living religious heritage: Linking the authenticity of heritage and the authenticity of tourist experiences to the authenticity of religious tradition. In *Transdisciplinary Multispectral Modeling and Cooperation for the Preservation of Cultural Heritage*, 262-271.
- Poullos, Ioannis. 2019. On the Greatest Challenge in the Management of Living Religious Heritage: Linking the Authenticity of Heritage and the Authenticity of Tourist Experiences to the Authenticity of Religious Tradition. In *Transdisciplinary Multispectral Modeling and Cooperation for the Preservation of Cultural Heritage: TMM - CH 2018, Athens, Greece, October 10–13, 2018, Revised Selected Papers, Part I, Communications in Computer and Information Science*, Vol. 939. https://doi.org/10.1007/978-3-030-12960-6_17 (Accessed 2025,11,14)
- Poullos, Ioannis. 2020. Managing “Difficult” Intangible Heritage through the Application of the Living Heritage Approach: Reflections on the Documentary Film *Silent Witness* about the Prison in the City of Trikala, Greece. In E. Solomon & E. Apostolidou (Eds.), *Museums, Education and ‘Difficult’ Heritage*, MuseumEdu 6. University of Thessaly, MuseumEduLab.
- Rajagopalan, M. 2012. Competing preservation and modernity: Contested histories and the question of Authenticity. <https://api.semanticscholar.org/CorpusID:147942374> (Accessed 2025,11,14).
- Rodwell, D. 2007. Conservation and sustainability in historic cities. Oxford: Blackwell Publishing.
- Rosato, G. C. 2022. Family-owned heritage houses or inhabited monuments? A peculiar case of living heritage in Southern Italy, *International Journal of Arts Humanities and Social Sciences Studies (7)* 12: 1-8.
- Shields, R. 1999. *Lefebvre, love, and struggle: Spatial dialectics*. London: Routledge.Smith, L. *Uses of heritage*. Routledge, 2006.- Smith, L. 2006. *Uses of heritage*. Routledge.
- UNESCO. 1976. *Recommendation Concerning the Safeguarding and Contemporary Role of Historic*

- Areas. Nairobi: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
- UNESCO. 1982. *Mexico City Declaration on Cultural Policies*. Mexico City: World Conference on Cultural Policies (MONDIACULT).
 - UNESCO. 1994. *Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention*. Paris: UNESCO. <https://whc.unesco.org/en/guidelines/> (Accessed 2025, 11, 14).
 - UNESCO. 2017. *UNESCO moving forward the 2030 Agenda for Sustainable Development (BSP-2017/WS/1)*. UNESCO. <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000247785> - eng
 - UNESCO. 2003. *Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage*. UNESCO. <https://ich.unesco.org/en/convention>
 - Warde, Alan. 2017. Practice and Field: Revising Bourdieu's Concepts. In *Consumption. Consumption and Public Life*. London: Palgrave Macmillan, 105_126.
 - Wijesuriya, Gamini. 2003. The Programme on Living Heritage Sites. Rome, Italy: ICCROM.
 - Wijesuriya, Gamini. 2005. The Past is in the Present: Perspectives in Caring for Buddhist Heritage Sites in Sri Lanka. In *Conservation of Living Religious Heritage: Papers from the ICCROM 2003 Forum on Living Religious Heritage: Conserving the Sacred*, 30–43. Rome, Italy: ICCROM.
 - Wijesuriya, Gamini. 2007. *Conserving Living Tongas: A Continuity Approach*. Rome, Italy: ICCROM.
 - Wijesuriya, Gamini. 2008. *An Integrated Approach to Heritage Conservation and Management*. Rome, Italy: ICCROM.
 - Wijesuriya, Gamini. 2010. Conservation in Context. In *Proceedings of the International Conference on Conservation and Preservation Interaction between Theory and Practice, In memoriam Alois Riegl (1858–1905)*, 233–248. Vienna: Edizioni Polistampa.
 - Wijesuriya, Gamini. 2015. *Living Heritage: A Summary (Annex 1)*. Rome, Italy: ICCROM.

■ Inhabited Living Heritage: A Conceptual Framework for Understanding and Preserving the Continuity of Dwelling in Historic Houses

Sana Yazdani

PhD Candidate in Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University

Zahra Ahari

Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University

The concept of «living heritage» goes beyond a material- based or constructivist perspective on heritage, emphasizing the continuous relationship between inhabited communities and their heritage. This study introduces the concept of «Inhabited living heritage,» aiming to construct a conceptual framework grounded in existing theoretical literature on living heritage, and refining it by utilizing the concepts of «continuity and change,» «spatial practice,» and «habitus» from Henri Lefebvre and Pierre Bourdieu. This approach seeks to understand how successive generations experience life in historic homes. The findings of this research highlight the role of the inhabited community and the continuity of daily activities in the process of producing and reproducing space and sustaining dwelling in residential heritage. It also introduces examples of historical houses in Iran to illustrate how these concepts can be employed to understand inhabited living heritage. According to this study, the dwelling continuity in inhabited living heritage is achieved when residents, through their daily lives and the repetitive enactment of cultural and familial practices in space, reproduce tangible and intangible heritage and adapt spaces to meet contemporary needs. This ongoing process of change and continuity occurs uniquely in each spatial and temporal context, leading to the preservation and strengthening of heritage. Thus, inhabited living heritage provides a foundation for the continuity of experiences and the manifestation of individual and collective identity, necessitating a bottom-up, inside-out approach to heritage preservation, and participation and active resident involvement in this process.

Keywords: Living Heritage, Inhabited Heritage, Spatial Practice, Historic Houses, Intangible Aspects.

JIAS

Journal of Iranian Architecture Studies

University of Kashan

School of Architecture and Art

Vol. 28, Autumn and Winter 2026

E-ISSN: 2676-5020

28

- **Stucco Mihrabs of the Qajar Period in the Kashan Region (1780–1859)**
Shima Negahban, MohamadReza Ghiasian, Mohammad Mashhadi NooshAbadi
- **Architectural Typology of Historical Inhabited Castles of Iran**
Mahtab Ghouryani, Neda Sahragard Monfared, Seyed Abbas Yazdanfar
- **The Emergence of Tall Tower Windcatchers in the Skyline of Qom City Based on Historical Illustrated Documents**
Mohammad Rezai Nedoushan
- **Inhabited Living Heritage: A Conceptual Framework for Understanding and Preserving the Continuity of Dwelling in Historic Houses**
Sana Yazdani, Zahra Ahari
- **Examining the Impact of Eventification in the Sa'dabad Cultural Complex**
Faezeh Tafreshi, Manoochehr Moazzami, Nicholas Wise
- **The Role of Duration of Presence, Carbon Dioxide Concentration, and Relative Humidity on the Thermal Comfort of Worshippers in Contemporary Mosques of Ilam**
Karen Fatahi
- **Vulnerability of the Persepolis Site to Climate Change and the Role of Local Community Participation in Its Reduction**
Hamid Fadaei, Masoud Nakhaei Ashtari
- **Jundishapour University of Ahvaz Campus: An Experiment in the Reproduction of Iranian Architecture (Late 1960s–1979)**
Seyed Alireza Seyedi, Morteza Hemmai
- **Evaluation of Structural Education Curriculum in Iranian Architecture Schools from the Perspective of Implementing Structural Knowledge in Architectural Design Based on Bloom's Revised Taxonomy**
Fouzieh zeinali, Nariman Farahza, Mohammadreza Hafezi
- **Primary Generator in the Design of an Islamic-Behavioral House Based on Islamic Hadith Sources**
Mostafa SayrafianPour, Masoud Nari Qomi
- **An Analysis of the Revival of Tehran Qanats: A Critical Reading from the Perspective of Urban Political Ecology**
Bahareh Farahani, Kianoosh Zakerhaghghi, Mehrnoush Hassanzadeh
- **Differences between the Traditional and Modern Urban Fabric of Zavareh Based on the "City Is Not a Tree" Theory: A Comparison of Organic Urban Structure and Tree-Like Structure**
Ali Abdi, Gholamhossein Memarian, Mona Azarnoush